آوای دریا ۳۱۷

صدای زنان هرمزگان
آوای دریا هفته نامه الکترونیکی هرمزگان

شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۵ سال هشتم
www.avayedarya.ir



ضرورت غربالگری حین بارداری/ شناسایی حدود ۵۰۰ نوع بیماری نادر در کشور



فراجا مکلف به آموزش زنان شد



هشدار درباره زایمان‌های مناسبتی/ تولد زودرس تهدیدی جدی برای سلامت نوزادان است



حضور بانوان در جایگاه‌های تصمیم‌ساز، ضرورتی برای توسعه متوازن هرمزگان است



عروسک‌های «هرمز و تیدا»؛ روایتگر هویت فرهنگی بندرعباس

عروسک‌های «هرمز و تیدا»؛ روایتگر هویت فرهنگی بندرعباس

گزارش : ایرنا



عروسک‌ها گاهی فراتر از یک اسباب‌بازی، راویان خاموش تاریخ، فرهنگ و خاطرات یک سرزمین هستند و از این رو «هرمز و تیدا» به‌عنوان نمادهای فرهنگی شهر خلاق بندرعباس رونمایی شد تا بخشی از هویت بومی و میراث فرهنگی هرمزگان در قالبی هنری و قابل لمس به مخاطبان معرفی شود.

استان هرمزگان با پیشینه تاریخی، تنوع فرهنگی، آیین‌های مردمی، پوشش‌های محلی، موسیقی بومی و هنرهای سنتی، یکی از مناطق برخوردار از ظرفیت‌های ارزشمند فرهنگی در جنوب کشور بوده که دارای ظرفیت‌هایی برای معرفی هویت این خطه از ایران نقش‌آفرین است.

بنابراین بهره‌گیری از این داشته‌ها در قالب محصولات فرهنگی و شخصیت‌های نمادین، فرصتی برای انتقال میراث گذشتگان به نسل امروز و فردا فراهم می‌کند.

عروسک‌های بومی به دلیل ارتباط مستقیم با دنیای کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها، از قابلیت ویژه‌ای برای معرفی فرهنگ محلی برخوردارند و عروسک‌های هرمز و تیدا را می‌توان تلاشی در مسیر پیوند میان هنرهای سنتی و خلاقیت‌های معاصر دانست.

این تلاش در صورت استمرار و توسعه، می‌تواند از یک محصول هنری فراتر رفته و به نمادی شناخته شده برای معرفی فرهنگ و هویت بندرعباس در سطح ملی و حتی بین‌المللی تبدیل شود.

نمادهای بومی در قالب شخصیت‌های هنری

سرپرست معاونت میراث‌فرهنگی اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی هرمزگان در آیین رونمایی از عروسک‌های «هرمز و تیدا» در مرکز اسناد تاریخی شهرداری بندرعباس، این عروسک‌ها را نمادی از فرهنگ، آیین‌ها و سنت‌های بومی استان دانست.

حسین شهابی اظهار کرد: طراحی و ساخت این عروسک‌ها با بهره‌گیری از نمادهای سنتی، آیینی و فرهنگی هرمزگان، اقدامی در مسیر بازنمایی هویت بومی و معرفی داشته‌های فرهنگی این منطقه است.

وی افزود: استفاده از عناصر فرهنگی و سنتی در طراحی شخصیت‌های نمادین، زمینه آشنایی نسل جدید با ریشه‌های فرهنگی و میراث ناملموس استان را فراهم می‌کند و می‌تواند به معرفی ظرفیت‌های فرهنگی بندرعباس در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند.

شهابی با اشاره به اهمیت خلاقیت در بازآفرینی عناصر فرهنگی بیان کرد: تبدیل نمادهای بومی به شخصیت‌ها و محصولات هنری، فرصتی برای ایجاد پیوند میان میراث‌فرهنگی، هنرهای سنتی و صنایع خلاق فراهم می‌کند.

از یک طرح هنری تا نماد شهر خلاق

یکی از نکات قابل توجه در شکل‌گیری عروسک‌های «هرمز و تیدا»، انتخاب طرح امینه صادقی‌پور به‌عنوان اثر برگزیده مسابقه طراحی عروسک برند شهر خلاق بندرعباس است؛ رویدادی که زمینه مشارکت هنرمندان در بازآفرینی هویت فرهنگی شهر را فراهم کرد و این انتخاب نشان می‌دهد که بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان بومی و مشارکت خلاقانه آنان می‌تواند در معرفی داشته‌های فرهنگی منطقه به زبان هنر موثر باشد.

شخصیت‌های نمادین شهری زمانی می‌توانند به بخشی از هویت عمومی یک شهر تبدیل شوند که در کنار طراحی هنری، از پشتوانه فرهنگی و روایی برخوردار باشند و مخاطبان بتوانند با داستان، ویژگی‌ها و پیام آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

در چنین رویکردی، عروسک‌ها تنها محصولاتی برای عرضه در نمایشگاه‌ها نیستند، بلکه می‌توانند به ابزارهایی برای آموزش فرهنگ بومی، معرفی آیین‌ها، انتقال داستان‌های محلی و ایجاد ارتباط میان نسل‌های مختلف تبدیل شوند.

جایگاه بندرعباس در شبکه شهرهای خلاق یونسکو

بندرعباس طی سال ۱۳۹۸، در حوزه صنایع‌دستی و هنرهای مردمی به شبکه شهرهای خلاق یونسکو پیوست؛ عنوانی بین‌المللی که بر ظرفیت‌های هنری، صنایع‌دستی و میراث فرهنگی این شهر تاکید دارد.

بر اساس معرفی رسمی یونسکو، صنایع‌دستی و هنرهای مردمی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی بندرعباس به شمار می‌روند و هنرهای دریایی و کاربردی، پوشاک محلی و سازهای موسیقی بومی از جمله زمینه‌های شاخص خلاقیت در این شهر هستند.

این جایگاه بین‌المللی، علاوه بر معرفی توانمندی‌های هنرمندان هرمزگان، مسئولیت مهمی برای حفظ، تقویت و معرفی میراث فرهنگی و توسعه صنایع خلاق بر دوش نهادهای فرهنگی و مدیریت شهری قرار می‌دهد.

در همین چارچوب، طراحی و معرفی شخصیت‌هایی همچون «هرمز و تیدا» می‌تواند یکی از راه‌های بهره‌گیری از ظرفیت هنرهای خلاق برای شناساندن فرهنگ بندرعباس باشد؛ به‌ویژه آنکه محصولات فرهنگی دارای هویت بومی، قابلیت حضور در



رویدادهای گردشگری، نمایشگاه‌های صنایع‌دستی و برنامه‌های فرهنگی ملی و بین‌المللی را دارند.

میراث ناملموس؛گنجینه‌ای برای نسل‌های آینده

میراث فرهنگی تنها به بناهای تاریخی، آثار باستانی و اشیای موزه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از آیین‌ها، سنت‌ها، مهارت‌ها، دانش‌های بومی، موسیقی، روایت‌ها و شیوه‌های زندگی مردم را نیز در بر می‌گیرد؛ میراثی که بخش مهمی از هویت هر جامعه را شکل می‌دهد.

استان هرمزگان از این منظر، گنجینه‌ای ارزشمند از فرهنگ و سنت‌های مردمی است و آیین‌های بومی، موسیقی و نغمه‌های محلی، پوشش‌های سنتی، هنرهای دستی، دانش دریانوردی و شیوه‌های زندگی جوامع ساحلی و جزیره‌ای، بخشی از داشته‌هایی هستند که حفظ و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده اهمیت فراوانی دارد.

با توجه به تغییر سبک زندگی و گسترش ارتباطات فرهنگی، استفاده از شیوه‌های نوین برای معرفی این میراث اهمیت بیشتری پیدا کرده است. هنرهای تجسمی، محصولات خلاق، عروسک‌های بومی، کتاب‌های کودک، انیمیشن و روایت‌های داستانی می‌توانند مفاهیم فرهنگی را به زبانی ساده، جذاب و متناسب با دنیای امروز به کودکان و نوجوانان منتقل کنند.

از این رو، عروسک‌های «هرمز و تیدا» ظرفیت آن را دارند که در صورت طراحی برنامه‌های مکمل فرهنگی و آموزشی، به بستری برای آشنایی کودکان با فرهنگ، آداب و رسوم و تاریخ اجتماعی هرمزگان تبدیل شوند.

از عروسک‌های بومی تا ظرفیت‌های گردشگری فرهنگی هرمزگان

توسعه صنایع خلاق یکی از مسیرهای مهم پیوند میان فرهنگ، اقتصاد و گردشگری است؛ محصولات فرهنگی که بر پایه هویت بومی طراحی می‌شوند، علاوه بر ارزش هنری، می‌توانند به محصولات شاخص گردشگری تبدیل شوند و زمینه معرفی فرهنگ یک منطقه را برای بازدیدکنندگان داخلی و خارجی فراهم کنند.

عروسک‌های «هرمز و تیدا» نیز می‌توانند با گسترش دامنه فعالیت‌های فرهنگی، به‌عنوان سوغات فرهنگی بندرعباس معرفی شوند و در فروشگاه‌های صنایع‌دستی، مراکز فرهنگی، نمایشگاه‌ها و رویدادهای گردشگری حضور پیدا کنند.

همچنین تولید محصولات جانبی با الهام از این شخصیت‌ها، از جمله کتاب‌های داستان،کارت‌های آموزشی، محصولات تصویری و بسته‌های فرهنگی، می‌تواند به تقویت ارتباط مخاطبان با این نمادهای بومی کمک کند.

البته تحقق چنین ظرفیتی نیازمند تدوین برنامه‌ای منسجم برای معرفی شخصیت‌ها، تولید محتوای داستانی، حفظ اصالت عناصر فرهنگی و مشارکت هنرمندان و فعالان صنایع‌دستی است تا این نمادها به محصولاتی ماندگار و قابل شناسایی تبدیل شوند.

هرمز و تیدا؛ سفیران کوچک فرهنگ جنوب

رونمایی از عروسک‌های «هرمز و تیدا» را می‌توان گامی در مسیر استفاده از زبان هنر برای معرفی هویت فرهنگی بندرعباس دانست؛ اقدامی که در آن، عناصر بومی در قالب شخصیت‌هایی نمادین بازآفرینی شده‌اند تا ارتباط نسل جدید با فرهنگ و سنت‌های منطقه آسان‌تر شود.

ماندگاری چنین طرح‌هایی به استمرار فعالیت‌های فرهنگی، تولید محتوای متناسب، معرفی گسترده و مشارکت هنرمندان و نهادهای مرتبط وابسته است. اگر این مسیر با برنامه‌ریزی و حمایت موثر دنبال شود، عروسک‌های بومی می‌توانند از یک اثر هنری به نمادی شناخته‌شده برای معرفی ظرفیت‌های فرهنگی و گردشگری هرمزگان تبدیل شوند.

«هرمز و تیدا» یادآور این حقیقت هستند که برای زنده نگه داشتن فرهنگ یک سرزمین،گاهی باید آن را در قالب‌هایی تازه و متناسب با زبان نسل امروز روایت کرد؛ روایت‌هایی که ریشه در گذشته دارند، اما نگاهشان به آینده است.

اکنون بیش‌از ۸۰ هزار نفر صنعتگر صنایع‌دستی در هرمزگان فعالیت می‌کنند که از این تعداد بیش‌از ۶۰ هزار نفر مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند و همچنین مجوز فعالیت ۱۱ فروشگاه صنایع‌دستی در این استان صادر شده است.

سوگ «سوگند»؛ حلقه مفقوده حمایت از کودکان کجاست؟

گزارش : ایسنا



در پی حادثه جان باختن سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی، بار دیگر موضوع مسئولیت مدیران مدارس در مواجهه با مسائل شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان و نحوه حمایت از نوجوانان در معرض آسیب مورد توجه قرار گرفته است؛ موضوعی که یک کارشناس تعلیم و تربیت در این باره با تأکید بر ضرورت حمایت از نوجوانان، خلأ در زنجیره حمایت اجتماعی و لزوم همکاری نهادهای مسئول را از چالش‌های این حوزه می‌داند.

ماجرای تلخ درگذشت سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی، فارغ از پرسش‌هایی درباره علت و چگونگی وقوع حادثه، بحث مهمی را درباره مسئولیت مدیران مدارس، نحوه مواجهه با مسائل شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان و سازوکارهای حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض آسیب به وجود آورده است که محمد رضاخواه، کارشناس تعلیم و تربیت در گفت‌وگویی با ایسنا به بررسی برخی ابعاد این موضوع پرداخته است.

.ماجرای درگذشت سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی، بحث‌هایی درباره نحوه برخورد مدیر مدرسه و مسئولیت آموزش‌وپرورش ایجاد کرده است. پیش از هر چیز باید تأکید کرد که روایت منتشرشده در فضای مجازی درباره نحوه برخورد مدیر مدرسه با سوگند و اطلاع‌رسانی به پدر او، هنوز به‌طور شفاف اعلام نشده و بررسی مراجع ذی‌صلاح ادامه دارد. با این حال، می‌توان فارغ از نتیجه بررسی این پرونده، مسئله را از منظر مدیریت مدرسه، مسئولیت‌های تربیتی و قانونی مدیران و مهم‌تر از همه، ظرفیت نظام حمایتی کشور بررسی کرد.

.یکی از موضوعات مطرح‌شده در این پرونده، رابطه عاطفی میان دو دانش‌آموز است. مدارس در مواجهه با چنین روابطی چه ملاحظاتی باید داشته باشند؟

واقعیت این است که جامعه ایران هنوز چارچوبی برای مدیریت روابط عاطفی نوجوانان در محیط مدرسه و خانواده فراهم نکرده است و روابط عاطفی خارج از این چارچوب، در بسیاری از خانواده‌ها و محیط‌های اجتماعی با پذیرش مواجه نیست.

من شخصاً معتقدم صرف وجود علاقه عاطفی میان دو نوجوان، به‌خودی‌خود نباید به معنای ارتکاب جرم، انحراف اخلاقی یا مستحق مجازات بودن آنها تلقی شود اما نمی‌توان از سوی دیگر، مخاطرات احتمالی روابط پنهانی و فاقد نظارت و حمایت اجتماعی را نیز نادیده گرفت.

وقتی خانواده‌ها از این روابط بی‌اطلاع‌اند، نوجوانان امکان گفت‌وگو و دریافت راهنمایی از بزرگسالان مورد اعتماد را ندارند و هیچ مسیر حمایتی روشنی برای مواجهه با مشکلات احتمالی رابطه وجود ندارد، احتمال شکل‌گیری موقعیت‌های آسیب‌زا افزایش پیدا می‌کند؛ از سوءاستفاده عاطفی گرفته تا تهدید و اخاذی و ... .

مدیر مدرسه در موقعیتی قرار دارد که باید میان چند مسئولیت مهم تعادل برقرار کند: از یک طرف، حفظ حریم خصوصی و امنیت دانش‌آموز و از طرف دیگر، پیشگیری از آسیب‌های احتمالی و پاسخگویی به مسئولیت‌های قانونی و تربیتی.

اما پرسش مهم این است که حدود مسئولیت حقوقی مدیر در چنین موقعیت‌هایی کجاست؟ آیا اگر از یک موقعیت بالقوه آسیب‌زا مطلع باشد و خانواده را در جریان قرار ندهد، در صورت وقوع حادثه می‌تواند از مسئولیت احتمالی خود مبرا باشد؟ و اگر خانواده را مطلع کند و این اطلاع‌رسانی موجب بروز آسیب شود، چه کسی پاسخگوی پیامدهای آن خواهد بود؟

باید پذیرفت که مدیر مدرسه در برخی موقعیت‌ها با تصمیم‌هایی مواجه می‌شود که هر انتخابی ممکن است پیامدهایی داشته باشد؛ درحالی‌که حدود مسئولیت، اختیارات و حمایت قانونی از او به‌روشنی مشخص نشده است.

مدیر در چنین شرایطی با چند مسئولیت هم‌زمان مواجه است: آیا باید خانواده را مطلع کند؟ آیا باید موضوع را به مشاور یا اداره گزارش دهد؟ آیا باید به گفت‌وگو و تذکر ادامه دهد یا لازم است تصمیم دیگری بگیرد؟ اگر موضوع را باز نگه دارد و اقدامی نکند، چه کسی پاسخگوی پیامدهای احتمالی خواهد بود؟ اگر اطلاع ندهد و بعداً حادثه‌ای رخ دهد، چه کسی پاسخگوی کوتاهی احتمالی او خواهد بود؟ اگر اطلاع دهد و خانواده خود منشأ خطر باشد، چه سازوکاری از دانش‌آموز حمایت می‌کند؟

اینها پرسش‌های واقعی مدیریت مدرسه هستند و نمی‌توان با یک قضاوت ساده، تمام پیچیدگی‌های آن را نادیده گرفت.

.افشای اطلاعات محرمانه دانش‌آموز به والدین درست است؟

اطلاع‌رسانی به خانواده نباید به معنای افشای بی‌ملاحظه مسائل خصوصی دانش‌آموز یا قراردادن او در معرض خطر باشد. به‌ویژه اگر دانش‌آموز صراحتاً از خشونت یا تهدید جانی در خانواده خبر داده باشد، مدیر باید این هشدار را جدی بگیرد و پیش از هرگونه تماس با خانواده، مسیر امن مداخله را دنبال کند.

.آیا می‌توان خانواده را در همه شرایط امن‌ترین مرجع برای پیگیری مشکلات دانش‌آموز دانست؟

یکی از فرض‌های رایج در نظام آموزشی ما این است که خانواده، امین‌ترین و مناسب‌ترین مرجع برای حل مشکلات دانش‌آموز است. این فرض در بسیاری از موارد درست است؛ اما در همه موارد صدق نمی‌کند.

گاهی منشأ آسیب، خود خانواده است. گاهی دانش‌آموز از خشونت، تهدید، سوءاستفاده یا طردشدگی در محیط خانه رنج می‌برد. در چنین شرایطی، ارجاع ساده موضوع به والدین نه‌تنها کمکی به حل مسئله نمی‌کند، بلکه ممکن است خطر را تشدید کند.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹، امکان مداخله نهادهای حمایتی و قضایی را پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین مسئله را نباید فقدان مطلق قانون دانست. مسئله این است که در چنین موقعیت‌هایی، مسیر اجرایی، حدود اختیارات و سازوکار فوری مداخله تا چه اندازه روشن، در دسترس و قابل استفاده است.

بنابراین زنده بودن پدر و مادر و برخورداری کودک از سرپرست قانونی، به‌خودی‌خود نباید مانع بررسی احتمال آزار و مداخله حمایتی و قضایی شود. در شرایطی که خطر جدی و فوری احراز شود، امکان اتخاذ تصمیم قضایی برای دور کردن کودک از محیط خطر و انتقال موقت او به محل امن وجود دارد. اما این تصمیم باید از سوی نهادهای دارای صلاحیت و با رعایت ضوابط قانونی اتخاذ شود؛ نه اینکه مدیر مدرسه شخصاً درباره نگهداری یا جداسازی کودک تصمیم بگیرد.

اما پرسش مهم این است که مدیر مدرسه در عمل چگونه باید این فرایند را آغاز کند؟ آیا می‌تواند مستقیماً با دادستانی تماس بگیرد؟ آیا باید ابتدا اورژانس اجتماعی ۱۲۳ را در جریان بگذارد؟ آیا مدیر اختیار دارد از تحویل دانش‌آموز به والدین خودداری کند؟ اگر والدین برای بردن فرزندشان به مدرسه مراجعه کنند، مدیر باید چه اقدامی انجام دهد؟ چه مرجعی مسئول تصمیم‌گیری درباره نگهداری موقت دانش‌آموز است؟.

بدیهی است مدیر مدرسه نمی‌تواند شخصاً درباره سلب حضانت یا انتقال کودک به مرکز نگهداری تصمیم بگیرد. این اقدامات باید با دخالت نهادهای حمایتی و مراجع قضایی و بر اساس ضوابط قانونی انجام شود اما مدیر باید بداند در فاصله شناسایی خطر تا ورود این نهادها، چه وظیفه‌ای دارد و چگونه می‌تواند امنیت دانش‌آموز را حفظ کند.

. با توجه به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹، آیا مشکل اصلی نبود سازوکار اجرایی برای حمایت از کودکان؟

در این زمینه، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ وجود دارد. این قانون، آموزش‌وپرورش را موظف کرده است کودکان و نوجوانان در معرض خطر را شناسایی، راهنمایی و به نهادهای حمایتی و قضایی معرفی کند و مدیران و کارکنان آموزشی را نیز درباره حقوق کودکان و نوجوانان آموزش دهد. همچنین در این قانون برای سازمان بهزیستی، ضابطان دادگستری و مراجع قضایی وظایفی در زمینه شناسایی، حمایت و مداخله در وضعیت‌های پرخطر پیش‌بینی شده است. برای اجرای بخشی از این تکالیف نیز آیین‌نامه اجرایی تصویب شده است.

پس مسئله این نیست که هیچ قانونی وجود ندارد؛ مسئله این است که وجود قانون و آیین‌نامه در سطح کلان، لزوماً به معنای وجود یک دستورالعمل عملیاتی روشن و قابل‌اجرا برای مدیر مدرسه، پزشک بیمارستان یا شهروند عادی نیست.

یک دستورالعمل اجرایی کارآمد باید دست‌کم مشخص کند که مدیر و معلم با مشاهده آثار خشونت یا شنیدن گزارش دانش‌آموز، چه اقدام اولیه‌ای انجام دهند و چگونه موضوع را ثبت کنند؛ چه کسی و بر اساس چه معیارهایی میزان خطر را ارزیابی کند؛ در چه شرایطی اطلاع به والدین مجاز یا ضروری است و در چه شرایطی باید تا ارزیابی خطر از تماس با والدین خودداری شود؛ مدرسه از چه مسیر و با چه شماره تماس و فرم مشخصی باید موضوع را به اورژانس اجتماعی، بهزیستی، پلیس یا مرجع قضایی ارجاع دهد؛ اگر خانواده مانع مداخله شد یا نهاد مسئول پاسخگو نبود، مدیر باید به کدام مرجع بالاتر مراجعه کند؛ چه کسی مسئول حفظ امنیت دانش‌آموز تا زمان تحویل به مرجع حمایتی است و چگونه از افشای اطلاعات و انتقام‌جویی احتمالی جلوگیری می‌شود؟ و در نهایت، مدیر و معلمی که با حسن نیت و مطابق دستورالعمل برای حفاظت از دانش‌آموز اقدام کرده‌اند، چگونه از حمایت اداری و حقوقی برخوردار می‌شوند؟.

در واقع، ما با زنجیره‌ای از مسئولیت‌ها روبه‌رو هستیم اگر هر حلقه از این زنجیره مبهم، کند یا ناکارآمد باشد، مسئولیت‌ها در نهایت روی دوش مدیر مدرسه باقی می‌ماند؛ مدیری که نه مددکار اجتماعی است، نه ضابط قضایی و نه اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری درباره سرپرستی کودک دارد.

از سوی دیگر، باید میان گزارش یک رابطه عاطفی، اختلاف یا مسئله انضباطی با گزارش یک خطر جدی و قریب‌الوقوع تفاوت قائل شد. اما اگر دانش‌آموز از تهدید معتبر به قتل، ضرب‌وجرح شدید یا خشونت جدی خبر دهد، موضوع دیگر صرفاً یک مسئله انضباطی یا خانوادگی نیست و باید از مسیر حمایتی و قانونی پیگیری شود. این مرزبندی باید در دستورالعمل‌ها به‌روشنی برای مدیران و معلمان توضیح داده شود.

. با این توضیحات، آیا می‌توان مسئولیت چنین حوادثی را صرفاً متوجه مدیر مدرسه یا آموزش‌وپرورش دانست؟

نباید تمام مسئولیت چنین حوادثی را به مدیر مدرسه یا آموزش‌وپرورش محدود کرد. مدرسه بخشی از نظام حمایت اجتماعی از کودکان و نوجوانان است، اما قرار نیست به‌تنهایی جایگزین مددکاری اجتماعی، خدمات روان‌شناختی، حمایت قضایی و نهادهای مسئول حمایت از خانواده شود.

ما با یک خلأ گسترده‌تر از دستورالعمل‌های مدرسه‌ای مواجهیم. در جامعه، بسیاری از افراد ممکن است نشانه‌های آزار، خشونت خانوادگی یا بحران روانی یک کودک و نوجوان را ببینند، اما ندانند چگونه باید واکنش نشان دهند. ممکن است از ترس دخالت در زندگی خصوصی دیگران سکوت کنند؛ ممکن است موضوع را با خانواده‌ای در میان بگذارند که خود منشأ خطر است؛ یا ممکن است با نیت خیر اقدامی انجام دهند که ناخواسته وضعیت کودک را دشوارتر کند.

در واقع، ما در هیچ‌یک از مراحل این زنجیره، از مشاهده و تشخیص اولیه تا گزارش، ارزیابی خطر، مداخله و پیگیری، آگاهی و سازوکار اجتماعی کافی و روشنی در اختیار مردم قرار نداده‌ایم.

از سوی دیگر، باید سازوکاری وجود داشته باشد که مدیران، معلمان و شهروندان بتوانند بدون ترس از برخوردهای اداری یا پیامدهای نامعلوم، موارد مشکوک به کودک‌آزاری و خشونت خانوادگی را گزارش کنند و مطمئن باشند که پس از گزارش، نهاد مسئول واقعاً وارد عمل خواهد شد.

بنابراین، تقویت اورژانس اجتماعی، توسعه خدمات مددکاری در مدارس و مراکز درمانی، آموزش عملی مدیران و معلمان، آگاهی‌بخشی عمومی درباره نحوه گزارش موارد آزار، تعیین مسیرهای روشن ارجاع، ایجاد امکان مداخله فوری و حمایت حقوقی از افرادی که با حسن نیت برای حفاظت از کودک اقدام می‌کنند، به‌اندازه تصویب قانون اهمیت دارد. قانون زمانی اثرگذار خواهد بود که هم مدیر مدرسه و هم شهروند عادی در لحظه مواجهه با یک وضعیت خطرناک، به‌جای سردرگمی و تصمیم‌گیری شخصی، یک مسیر روشن و قابل اتکا پیش روی خود داشته باشند.

اگر یک دانش‌آموز در معرض خشونت خانوادگی، تهدید یا بحران روانی قرار بگیرد، مسئولیت حفاظت از او صرفاً بر عهده مدرسه نیست. خانواده، نظام سلامت، اورژانس اجتماعی، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، دستگاه قضایی، نهادهای حمایتی و حتی جامعه و شهروندانی که از وضعیت کودک مطلع می‌شوند، هرکدام در این زنجیره نقشی دارند.

. با توجه به چنین اتفاقاتی حال نظام تعلیم و تربیت باید چه کند؟

باید از آموزش‌وپرورش خواست دستورالعمل‌های روشن و اجرایی برای مدیران و معلمان تدوین کند؛ از وزارت بهداشت و مراکز درمانی خواست مسیر قانونی و فوری گزارش و حفاظت از کودکان مشکوک به آزار را مشخص و عملیاتی کنند؛ از سازمان بهزیستی خواست ظرفیت و پاسخگویی اورژانس اجتماعی و خدمات مددکاری را تقویت کند؛ از دستگاه قضایی خواست مسیر مداخله فوری و تصمیم‌گیری درباره حفاظت موقت از کودکان در معرض خطر را روشن و در دسترس قرار دهد؛ و از نهادهای مسئول فرهنگی و اجتماعی خواست آگاهی عمومی درباره نحوه مواجهه با کودک‌آزاری و بحران‌های روانی نوجوانان را افزایش دهند.

ماجرای سوگند باید فرصتی برای بازنگری در کل نظام حمایت از کودکان و نوجوانان باشد.

در کنار این مطالبات، باید درباره آموزش خانواده‌ها و ایجاد امکان گفت‌وگوی امن میان نوجوانان و بزرگسالان نیز جدی‌تر فکر کرد. نوجوانی که از ترس سرزنش، تنبیه یا بی‌آبرویی نمی‌تواند مشکل خود را با خانواده یا مدرسه در میان بگذارد، ممکن است در موقعیتی آسیب‌زا تنها بماند. ایجاد مسیرهای امن برای بیان نگرانی‌ها و دریافت حمایت، مسئولیتی اجتماعی است که نمی‌توان آن را فقط به یک دستگاه واگذار کرد.

مصرف خودسرانه آنتی بیوتیک، تهدید جدی برای مقاومت میکروبی

گزارش : ایرنا



آنتی‌بیوتیک‌ها از مهم‌ترین داروهایی هستند که در درمان عفونت‌های باکتریایی و نجات جان انسان‌ها نقش دارند؛ اما مصرف بی‌رویه، خودسرانه و نادرست آن‌ها به‌تدریج باعث شده است برخی میکروب‌ها در برابر این داروها مقاوم شوند. پدیده‌ای که با عنوان «مقاومت میکروبی» شناخته می‌شود و می‌تواند درمان عفونت‌های ساده را دشوارتر کند و حتی اثربخشی برخی روش‌های درمانی پیشرفته را تحت تأثیر قرار دهد.

هفته جهانی آگاهی از مقاومت میکروبی، از ۱۸ تا ۲۴ نوامبر (۲۷ آبان تا ۳ آذر)، فرصتی برای افزایش آگاهی عمومی درباره یکی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت در جهان است؛ چالشی که در صورت بی‌توجهی می‌تواند درمان بسیاری از عفونت‌های رایج را دشوارتر کند و حتی جان بیماران را به خطر بیندازد. شعار هفته جهانی آگاهی از مقاومت میکروبی در سال ۲۰۲۶ نیز بر ضرورت اقدام مشترک برای پیشگیری از مقاومت دارویی تأکید دارد: «سلامت واحد، اقدام واحد؛ همین امروز از مقاومت میکروبی پیشگیری کنیم».

مقاومت میکروبی زمانی اتفاق می‌افتد که میکروب‌هایی مانند باکتری‌ها، ویروس‌ها، قارچ‌ها و انگل‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند و در برابر داروهایی که پیش‌تر برای از بین بردن آن‌ها مؤثر بوده‌اند، مقاومت پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی داروها اثربخشی لازم را ندارند و درمان عفونت‌ها طولانی‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود. نکته مهم این است که مقاومت دارویی در واقع در میکروب‌ها ایجاد می‌شود، نه در بدن انسان؛ به همین دلیل ممکن است فردی به دارویی که قبلاً برای درمان یک عفونت مؤثر بوده است، دیگر پاسخ مناسبی ندهد. یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش این مشکل، مصرف غیرضروری و نادرست آنتی‌بیوتیک‌هاست. استفاده از این داروها بدون تجویز پزشک، مصرف داروی باقی‌مانده از بیماری قبلی، دریافت آنتی‌بیوتیک به توصیه افراد غیرمتخصص و مصرف دارو برای بیماری‌های ویروسی مانند سرماخوردگی و آنفلوانزا، از رفتارهایی هستند که می‌توانند روند گسترش مقاومت میکروبی را تسریع کنند.

آنتی‌بیوتیک‌ها برای درمان عفونت‌های باکتریایی کاربرد دارند و بر ویروس‌ها اثری ندارند؛ بنابراین مصرف آن‌ها برای سرماخوردگی یا آنفلوانزای معمولی نه‌تنها کمکی به بهبود بیماری نمی‌کند، بلکه می‌تواند عوارض دارویی و خطر مقاومت آنتی‌بیوتیکی را افزایش دهد.

بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۲۵، از هر ۶ عفونت باکتریایی تأییدشده آزمایشگاهی در جهان در سال ۲۰۲۳، یک مورد به درمان‌های آنتی‌بیوتیکی مقاوم بوده است. همچنین مقاومت به بیش از ۴۰ درصد ترکیب‌های میکروب و آنتی‌بیوتیک مورد بررسی، در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که مقاومت آنتی‌بیوتیکی دیگر صرفاً یک نگرانی مربوط به آینده نیست، بلکه اکنون نیز بر روند درمان بیماران در کشورهای مختلف تأثیر گذاشته است.

چرا مقاومت میکروبی برای همه مردم اهمیت دارد؟

اهمیت این موضوع فقط به درمان عفونت‌های ساده محدود نمی‌شود. گسترش میکروب‌های مقاوم می‌تواند درمان عفونت‌های شدید، جراحی‌های بزرگ، پیوند اعضا، شیمی‌درمانی و مراقبت از بیماران بستری را با دشواری بیشتری روبه‌رو کند. در بسیاری از این شرایط، پیشگیری و کنترل عفونت و دسترسی به آنتی‌بیوتیک‌های مؤثر نقش حیاتی دارد. اگر داروهای موجود اثربخشی خود را از دست بدهند، احتمال بروز عوارض، طولانی شدن بستری در بیمارستان و افزایش هزینه‌های درمان بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، مقاومت میکروبی فقط به مصرف دارو در انسان‌ها مربوط نیست. استفاده نامناسب از داروهای ضدمیکروبی در دامداری، طیور و کشاورزی و همچنین ورود باقی‌مانده داروها و میکروب‌های مقاوم به محیط زیست، در گسترش این پدیده نقش دارد. به همین دلیل سازمان جهانی بهداشت و سایر نهادهای بین‌المللی بر رویکرد «سلامت واحد» تأکید می‌کنند؛ رویکردی که سلامت انسان، حیوانات، مواد غذایی و محیط زیست را به یکدیگر مرتبط می‌داند و مقابله با مقاومت میکروبی را نیازمند همکاری همه این بخش‌ها می‌داند.

مردم برای پیشگیری از مقاومت میکروبی چه باید بکنند؟

مقابله با مقاومت میکروبی فقط به بیمارستان‌ها، پزشکان و مراکز درمانی محدود نمی‌شود، بلکه رفتار روزمره هر یک از ما در مصرف داروها می‌تواند در کاهش یا گسترش این مشکل تأثیرگذار باشد. بسیاری از موارد مصرف نادرست آنتی‌بیوتیک‌ها به دلیل ناآگاهی درباره نحوه عملکرد این داروها اتفاق می‌افتد. برای مثال، بعضی افراد تصور می‌کنند آنتی‌بیوتیک دارویی قوی برای درمان هر نوع بیماری، از گلودرد و سرماخوردگی گرفته تا تب و سرفه است؛ در حالی که این تصور درست نیست.

۱- آنتی‌بیوتیک را بدون تجویز پزشک مصرف نکنید

یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش مقاومت میکروبی، مصرف خودسرانه آنتی‌بیوتیک‌هاست. گاهی افراد با مشاهده علائمی مانند گلودرد، تب، آبریزش بینی یا سرفه، بدون مراجعه به پزشک به سراغ داروهای باقی‌مانده در خانه می‌روند یا از دارویی استفاده می‌کنند که قبلاً برای بیماری مشابه تجویز شده است. در حالی که این علائم همیشه نشانه عفونت باکتریایی نیستند و ممکن است منشأ ویروسی داشته باشند. مصرف آنتی‌بیوتیک در چنین شرایطی نه‌تنها کمکی به درمان بیماری نمی‌کند، بلکه می‌تواند باعث عوارض دارویی و افزایش احتمال مقاومت باکتری‌ها شود.

۲- بدانید آنتی‌بیوتیک سرماخوردگی و آنفلوانزا را درمان نمی‌کند

بسیاری از بیماری‌های شایع مانند سرماخوردگی و آنفلوانزا بر اثر ویروس‌ها ایجاد می‌شوند. آنتی‌بیوتیک‌ها برای مقابله با باکتری‌ها طراحی شده‌اند و توانایی از بین بردن ویروس‌ها را ندارند. بنابراین مصرف این داروها برای درمان سرماخوردگی معمولی، آنفلوانزا و سایر بیماری‌های ویروسی بی‌فایده است. حتی اگر پس از چند روز مصرف آنتی‌بیوتیک احساس بهبودی ایجاد شود، این موضوع لزوماً به معنای اثرگذاری دارو نیست؛ زیرا بسیاری از عفونت‌های ویروسی به‌طور طبیعی و با گذشت زمان بهبود پیدا می‌کنند. البته در برخی موارد ممکن است پزشک تشخیص دهد که فرد علاوه بر عفونت ویروسی، دچار عفونت باکتریایی نیز شده و به آنتی‌بیوتیک نیاز دارد.

۳- داروهای باقی‌مانده را برای بیماری بعدی نگه ندارید یا به دیگران ندهید

گاهی پس از پایان یک دوره درمان، تعدادی قرص یا کپسول آنتی‌بیوتیک در خانه باقی می‌ماند. استفاده از این داروها برای بیماری بعدی یا دادن آن‌ها به اعضای خانواده، یکی از رفتارهای نادرست و خطرناک است. زیرا نوع عفونت، عامل ایجادکننده بیماری و داروی موردنیاز هر فرد ممکن است متفاوت باشد. حتی علائم مشابه در دو بیمار لزوماً به معنای یکسان بودن بیماری آن‌ها نیست. بنابراین دارویی که برای یک نفر تجویز شده، ممکن است برای فرد دیگر نه‌تنها مؤثر نباشد، بلکه باعث بروز عوارض نیز بشود.

۴- دارو را دقیقاً مطابق دستور پزشک مصرف کنید

اگر پزشک برای درمان یک عفونت باکتریایی آنتی‌بیوتیک تجویز کرد، لازم است مقدار دارو، فاصله زمانی بین مصرف‌ها و مدت درمان طبق دستور او رعایت شود. بعضی افراد به محض کاهش تب یا بهتر شدن علائم بیماری، مصرف دارو را خودسرانه قطع می‌کنند و برخی دیگر نیز تصور می‌کنند با افزایش مقدار دارو یا مصرف دفعات بیشتر، سریع‌تر بهبود پیدا می‌کنند. هر دو رفتار می‌تواند مشکل‌ساز باشد. از طرف دیگر، مدت درمان برای همه عفونت‌ها یکسان نیست؛ بنابراین نباید تصور کرد که هر آنتی‌بیوتیکی الزاماً باید یک دوره ثابت و طولانی مصرف شود. اگر درباره ادامه یا قطع دارو تردید دارید، با پزشک یا داروساز مشورت کنید و خودسرانه تصمیم نگیرید.

۵- قبل از مصرف دارو، درباره ضرورت آن سؤال کنید

مردم حق دارند درباره دارویی که برایشان تجویز می‌شود اطلاعات داشته باشند. اگر پزشک آنتی‌بیوتیک تجویز کرد، می‌توانید درباره علت نیاز به آن، نحوه مصرف، عوارض احتمالی و تداخل آن با سایر داروها سؤال کنید. همچنین اگر داروساز درباره نحوه مصرف دارو توضیح می‌دهد، به توصیه‌های او توجه کنید. آگاهی از دلیل مصرف یک دارو باعث می‌شود افراد با مسئولیت بیشتری درمان خود را دنبال کنند و از مصرف غیرضروری آنتی‌بیوتیک‌ها پرهیز کنند.

۶- شستن دست‌ها را جدی بگیرید؛ پیشگیری بهتر از درمان است

یکی از ساده‌ترین راه‌های جلوگیری از انتقال بسیاری از میکروب‌ها، شستن صحیح و مرتب دست‌ها با آب و صابون است. دست‌ها در طول روز با سطوح مختلف تماس دارند و می‌توانند عوامل بیماری‌زا را به چشم، بینی، دهان و مواد غذایی منتقل کنند. شستن دست‌ها به‌ویژه قبل از غذا خوردن و آماده کردن غذا، بعد از استفاده از سرویس بهداشتی، پس از تماس با افراد بیمار و هنگام ورود به خانه اهمیت زیادی دارد. استفاده از آب سالم، شست‌وشوی مناسب میوه‌ها و سبزی‌ها، پخت کامل مواد غذایی و رعایت بهداشت در آشپزخانه نیز به کاهش انتقال عفونت‌ها کمک می‌کند.

۷- واکسیناسیون را فراموش نکنید

واکسیناسیون یکی از راه‌های مهم پیشگیری از ابتلا به بسیاری از بیماری‌های عفونی است. واکسن‌ها با آماده کردن سیستم ایمنی بدن، احتمال ابتلا به برخی عفونت‌ها و در نتیجه نیاز به مصرف آنتی‌بیوتیک را کاهش می‌دهند. برای مثال، پیشگیری از برخی عفونت‌های باکتریایی با واکسیناسیون می‌تواند به کاهش مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها و جلوگیری از گسترش مقاومت دارویی کمک کند. بنابراین دریافت واکسن‌های توصیه‌شده متناسب با سن و شرایط فردی، بخشی از برنامه پیشگیری از مقاومت میکروبی است.

۸- آنتی‌بیوتیک‌ها را خودسرانه دور نریزید

داروهای باقی‌مانده و تاریخ‌گذشته نباید به‌صورت خودسرانه در توالت، فاضلاب یا محیط زیست رها شوند. ورود باقی‌مانده برخی داروها به منابع آب و خاک می‌تواند در آلودگی محیطی و ایجاد شرایط مساعد برای انتخاب میکروب‌های مقاوم نقش داشته باشد. بهتر است مردم درباره روش صحیح جمع‌آوری و تحویل داروهای مصرف‌نشده از داروخانه یا مراجع بهداشتی محل زندگی خود سؤال کنند.

حفظ اثربخشی آنتی‌بیوتیک‌ها، مسئولیت همه ماست

مقابله با مقاومت میکروبی تنها با تغییر رفتار مصرف‌کنندگان دارو امکان‌پذیر نیست و به همکاری همه بخش‌های جامعه نیاز دارد. پزشکان باید با تشخیص دقیق بیماری و تجویز منطقی دارو، از مصرف غیرضروری آنتی‌بیوتیک‌ها جلوگیری کنند. داروسازان نیز با آموزش بیماران درباره نحوه صحیح مصرف دارو و آگاه‌سازی آن‌ها از عوارض احتمالی، نقش مهمی در این زمینه دارند. از سوی دیگر، مراکز درمانی باید با رعایت اصول کنترل عفونت، بهداشت محیط و نظارت بر مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها، از انتقال میکروب‌های مقاوم جلوگیری کنند. این مسئولیت به بخش سلامت انسان محدود نمی‌شود. مصرف منطقی داروهای ضدمیکروبی در دامداری و پرورش طیور، نظارت بر استفاده از این داروها در کشاورزی و جلوگیری از ورود آلاینده‌های دارویی به منابع آب و خاک نیز اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل، مقابله با مقاومت میکروبی نیازمند همکاری بخش‌های بهداشت و درمان، دامپزشکی، کشاورزی و محیط زیست است. پس باید بدانیم که آنتی‌بیوتیک‌ها داروهایی ارزشمند هستند که نقش مهمی در نجات جان انسان‌ها داشته‌اند؛ اما اثربخشی آن‌ها همیشگی و تضمین‌شده نیست. هر بار مصرف غیرضروری و نادرست این داروها می‌تواند به افزایش فشار انتخابی بر میکروب‌ها و گسترش مقاومت کمک کند. بنابراین، مصرف آگاهانه دارو، رعایت بهداشت فردی، پیشگیری از عفونت‌ها و عمل به توصیه‌های پزشک، اقداماتی هستند که هر فرد می‌تواند از همین امروز برای حفظ سلامت خود و جامعه انجام دهد.

کودک را با حقوقش آشنا کنیم، نه فقط با وظایفش

گزارش : ایرنا

در دنیایی که دائما وظایف و چارچوب‌های رفتاری به کودک یادآوری می‌شود، حقوق بنیادین او در سایه آموزش‌های یک‌طرفه به فراموشی سپرده می‌شود غافل از اینکه امنیت، کرامت انسانی و حریم خصوصی کودک حق مسلمی است که باید از نخستین سال‌های زندگی در بستر خانواده و اجتماع به او آموخته شود.

کافی است برای لحظه‌ای صحنه‌ای آشنا را در ذهن مرور کنیم، مادری با شتاب دست فرزند خردسالش را می‌کشد و با صدایی آمرانه می‌گوید" ساکت باش، بزرگ‌ترها دارند حرف می‌زنند! یا پدری که بدون توجه به نگاه معذب فرزندش، ریزترین جزئیات زندگی، نمرات یا حتی لحظات خجالت‌آور او را در جمع فامیل یا قاب دوربین تلفن همراه برای هزاران غریبه به نمایش می‌گذارد. کودک می‌شنود، نظاره می‌کند و یاد می‌گیرد که در برابر دنیای بزرگسالان هیچ صدا و حریمی ندارد.

این صحنه‌های روزمره، بازتابی از یک خلا عمیق است، کودکانی که به آنها آموخته‌ایم مطیع باشند اما هرگز به آنها یاد نداده‌ایم که خودشان نیز صاحب حق و کرامتی مستقل می باشند. دکتر محمدمهدی سیدناصری، حقوقدان، پژوهشگر حقوق کودک و آینده کودکی در عصر دیجیتال در گفت‌وگو با واکاوی مفهوم کرامت کودک و ضرورت آگاهی‌بخشی به نسل جدید، به تشریح جایگاه حقوقی کودکان در خانواده، جامعه و زیست‌بوم دیجیتال پرداخت.

کودک همین امروز یک انسان صاحب حق است

سیدناصری در ابتدای این گفت‌وگو با طرح این پرسش که اگر کودک نداند چه حقوقی دارد، چگونه می‌تواند از آن‌ها دفاع کند؟ توضیح داد: این پرسش در ظاهر ساده است، اما یکی از بنیادی‌ترین مسائل در فرهنگ حقوق کودک و شیوه تربیت نسل آینده به شمار می‌رود. ما معمولا به کودکان می‌آموزیم که چه وظایفی دارند باید درس بخوانند، به بزرگ‌ترها احترام بگذارند، مقررات خانه و مدرسه را رعایت کنند، مسئولیت‌پذیر باشند و رفتار مناسبی از خود نشان دهند. با این حال، کمتر به آن‌ها می‌گوییم که خودشان نیز صاحب حق هستند، حق دارند شنیده شوند، از خشونت در امان بمانند، حریم خصوصی داشته باشند، آموزش ببینند، بازی کنند، احساساتشان را بیان کنند و در تصمیم‌هایی که بر زندگی‌شان اثر می‌گذارد، متناسب با سن و میزان رشدشان مشارکت داشته باشند. این نابرابری در آموزش به نوع نگاه جامعه به کودک و جایگاه او در نظام حقوقی و اجتماعی بازمی‌گردد. کودک باید در محیطی زندگی کند که کرامتش محترم شمرده شود، فرصت رشد داشته باشد و بتواند بدون ترس از تحقیر یا خشونت، بخشی از تجربه‌ها و نگرانی‌های خود را با دیگران در میان بگذارد.

او ادامه می‌دهد: کودک فقط انسانی نیست که باید برای آینده آماده شود، او همین امروز یک انسان و صاحب حق است. کودکی، مرحله‌ای از زندگی نیست که ارزش آن صرفا به بزرگسالی آینده وابسته باشد. کودک در همین سال‌ها زندگی می‌کند، احساس دارد، تجربه می‌کند، آسیب می‌بیند، یاد می‌گیرد و شخصیت خود را شکل می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان تحقق حقوق او را به زمانی موکول کرد که به سن قانونی بزرگسالی برسد یا توانایی دفاع مستقل از خود را پیدا کند. اتفاقا یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت آموزش حقوق کودک این است که او در سال‌های نخست زندگی، بیش از بسیاری از بزرگسالان به حمایت، راهنمایی و فراهم بودن امکان دسترسی به سازوکارهای دفاع از حقوق خود نیاز دارد.

این پژوهشگر حقوق کودک با اشاره به اصول چهارگانه کنوانسیون‌های بین‌المللی یادآور شد: پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد، کودک را برخوردار از حقوق بنیادین می‌داند و دولت‌های عضو را به احترام، حمایت و تحقق این حقوق متعهد می‌کند. چهار اصل بنیادین این پیمان‌نامه، یعنی منع تبعیض، تأمین منافع عالیه کودک، حق زندگی، بقا و رشد و احترام به دیدگاه کودک، نشان می‌دهند که حمایت از کودکان صرفا به تأمین نیازهای اولیه آن‌ها محدود نیست. کودک باید در محیطی زندگی کند که کرامتش محترم شمرده شود، فرصت رشد داشته باشد و بتواند بدون ترس از تحقیر یا خشونت، بخشی از تجربه‌ها و نگرانی‌های خود را با دیگران در میان بگذارد. از این منظر، آموزش حقوق کودک بخشی از فرایند تحقق تعهدات حقوقی و تربیت شهروندان آگاه است.

حق سلامت، رشد همه‌جانبه و خط قرمز منع تبعیض

سیدناصری درباره ابعاد حق بقا و منع هرگونه تبعیض اظهار داشت: نخستین حقی که کودک باید بشناسد، حق زندگی، سلامت و رشد است. این حق علاوه بر زنده ماندن به فراهم بودن شرایط رشد جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی اشاره دارد. کودک به تغذیه مناسب، مراقبت بهداشتی، آموزش، امنیت، آرامش، بازی و روابط انسانی حمایتگر نیاز دارد. زندگی در محیطی که سرشار از ترس، خشونت، تحقیر یا بی‌توجهی مستمر است، می‌تواند فرصت رشد سالم را از کودک بگیرد. والدین و مربیان باید به کودکان بیاموزند که نیازهای جسمی و عاطفی آن‌ها بی‌اهمیت نیست و درخواست کمک، بیان ناراحتی یا صحبت درباره مشکلات، نشانه ضعف و ناتوانی محسوب نمی‌شود. رفتار عادلانه با کودکان به این معناست که هر کودک متناسب با شرایط و نیازهای خود از فرصت واقعی برخورداری از حقوق بهره‌مند شود.

او در ادامه تأکید کرد: کودک باید بداند که به دلیل جنسیت، وضعیت اقتصادی خانواده، معلولیت، زبان، قومیت یا شرایط خانوادگی خود نباید مورد تبعیض قرار گیرد. اصل منع تبعیض، از پایه‌های اصلی نظام حقوق کودک است، اصلی که رعایت آن از خانه آغاز می‌شود. مقایسه تحقیرآمیز فرزندان، بی‌اعتنایی به نیازهای یکی از آن‌ها، محروم کردن کودک از فرصت‌های آموزشی به دلیل جنسیت یا نادیده گرفتن نیازهای ویژه کودکان دارای معلولیت، می‌تواند به شکل‌گیری احساس بی‌ارزشی و محرومیت بیانجامد. رفتار عادلانه با کودکان به این معناست که هر کودک متناسب با شرایط و نیازهای خود از فرصت واقعی بهره‌مند شود.

حق امنیت در برابر خشونت، تفاوت میان تربیت و آزار

این حقوقدان با تشریح حق امنیت روانی و جسمانی کودکان تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید به زبان ساده به کودکان آموزش داده شود، حق امنیت و مصونیت از خشونت است. کودک باید بداند که کتک زدن، تهدید، تحقیر، آزار جنسی، بهره‌کشی و دیگر رفتارهای آسیب‌زا را نباید صرفا به دلیل بزرگ‌تر بودن فرد مقابل یا قرار داشتن او در جایگاه والد، معلم یا مربی، امری طبیعی و غیرقابل اعتراض تلقی کند. ماده ۱۹ پیمان‌نامه حقوق کودک بر ضرورت حمایت از کودکان در برابر انواع خشونت جسمی و روانی، آسیب، سو استفاده، غفلت و بدرفتاری تأکید دارد. این حمایت زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که کودک بتواند رفتار آسیب‌زا را تشخیص دهد، بداند مجبور به پنهان کردن آن نیست و برای کمک گرفتن به فردی قابل اعتماد مراجعه کند. وی اضافه کرد: آموزش این حق نباید به ایجاد ترس یا بی‌اعتمادی عمومی نسبت به بزرگسالان منجر شود. هدف آن است که کودک تفاوت میان مراقبت و آزار، تربیت و تحقیر، راهنمایی و تهدید را بشناسد. همچنین باید به او آموزش داد که اگر نخستین فردی که به او مراجعه می‌کند، حرفش را جدی نگرفت، می‌تواند از یک بزرگسال امن دیگر کمک بخواهد.

مسئولیت حمایت از کودک نیز نباید به توانایی او در تشخیص خطر یا گزارش آن وابسته شود، مسئولیت اصلی پیشگیری از خشونت، ایجاد محیط امن و رسیدگی به موارد آزار بر عهده بزرگسالان، نهادهای مسئول و نظام حمایتی است.

حق شنیده شدن، صدای کودک نباید با برچسب سن خاموش شود

سیدناصری درباره جایگاه نظر کودک در کانون خانواده توضیح داد: حق دیگری که شناخت آن می‌تواند روابط خانوادگی و اجتماعی را متحول کند، حق شنیده شدن است. ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک بر حق کودک برای ابراز آزادانه دیدگاه خود در امور مربوط به او و توجه متناسب به این دیدگاه تأکید دارد. این حق به معنای آن نیست که کودک باید درباره همه مسائل تصمیم نهایی را بگیرد یا مسئولیت‌هایی فراتر از توان و سن خود بر عهده داشته باشد. معنای آن این است که بزرگسالان نمی‌توانند صرفاً به دلیل کودک بودن فرد، نظر او را بی‌اهمیت بدانند. میان پذیرفتن تمام خواسته‌های کودک و به رسمیت شناختن حق او برای اظهار نظر تفاوت وجود دارد. پدر و مادر ممکن است پس از شنیدن دیدگاه فرزندشان تصمیم دیگری بگیرند، اما این تصمیم باید بر پایه مسئولیت تربیتی و مصلحت کودک باشد، نه بر این تصور که کودک اصولا حق اظهار نظر ندارد.

او افزود: خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن معنای مشارکت، گفت‌وگو و احترام متقابل را تجربه می‌کند. وقتی کودک درباره مسئله‌ای که مستقیما بر زندگی او اثر می‌گذارد صحبت می‌کند و والدین با دقت به او گوش می‌دهند، در عمل حق مشارکت را می‌آموزد. برعکس، وقتی هر پرسش او با عباراتی مانند تو هنوز بچه‌ای و چیزی نمی‌فهمی پاسخ داده می‌شود، ممکن است به‌تدریج به این نتیجه برسد که سکوت، امن‌تر از بیان نگرانی‌هایش است. جامعه‌ای که از کودکان انتظار دارد در آینده شهروندانی مشارکت‌جو و مسئول باشند، نمی‌تواند در سال‌های کودکی، فرصت تمرین گفت‌وگو و مشارکت را از آن‌ها بگیرد.

حق آزادی بیان، حریم خصوصی و امنیت زیست در عصر دیجیتال

این پژوهشگر با اشاره به تحولات دنیای مدرن گفت: آموزش حقوق کودک باید حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات مناسب را در بربگیرد. کودک حق دارد پرسش کند، احساسات خود را بیان کند و درباره مسائل متناسب با سن خود اطلاعات به دست آورد. البته این حقوق با حقوق دیگران، الزامات قانونی مشروع و ضرورت حمایت متناسب با سن کودک ارتباط دارند اما حمایت نباید بهانه‌ای برای خاموش کردن صدای او یا محروم کردنش از هرگونه آگاهی باشد. به‌ویژه در عصر دیجیتال، کودک باید یاد بگیرد که چگونه اطلاعات درست را از نادرست تشخیص دهد، با محتوای زیان‌بار مواجه شود، اطلاعات شخصی خود را محافظت کند و در صورت تجربه آزار اینترنتی یا دریافت پیام‌های نامناسب، کمک بخواهد.

او با تکیه بر ماده ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک ادامه داد: حریم خصوصی نیز از حقوقی است که آموزش آن دیگر نمی‌تواند به آینده موکول شود. ماده ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک، کودک را در برابر مداخلات خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، خانه و مکاتبات و نیز تعرض به حیثیت و اعتبارش مورد حمایت قرار می‌دهد. این اصل در زندگی امروز، افزون بر روابط حضوری در فضای مجازی نیز اهمیت دارد. انتشار تصاویر خصوصی کودک، بازگو کردن مسائل شخصی او در جمع یا قرار دادن لحظات شرم‌آور زندگی‌اش در معرض دید عموم، ممکن است به حیثیت و احساس امنیت او آسیب بزند. والدین در انجام وظیفه مراقبت و نظارت بر فرزند خود، باید میان حفاظت از کودک و احترام به حریم خصوصی او تعادل برقرار کنند. مسئولیت والد بودن، به معنای نادیده گرفتن شخصیت مستقل کودک نیست.

بازی و استراحت، حقوق بنیادینی که امتیاز پاداشی نیستند

سیدناصری درباره حق فراغت کودکان خاطرنشان کرد: کودک باید بداند که آموزش، بازی، استراحت و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، امتیازهایی نیستند که صرفا در صورت انجام بی‌نقص وظایفش به او تعلق بگیرند، این موارد بخشی از حقوق او هستند. مواد ۲۸ و ۲۹ پیمان‌نامه حقوق کودک به حق آموزش و اهداف آن، از جمله رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های کودک، می‌پردازند و ماده ۳۱ نیز حق استراحت، فراغت، بازی و مشارکت در زندگی فرهنگی و هنری را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، مدرسه‌ای که صرفا بر نمره تاکید می‌کند و خانواده‌ای که تمام وقت کودک را با کلاس و تکلیف پر می‌کند، باید از خود بپرسند که آیا میان یادگیری، سلامت روان، بازی و رشد همه‌جانبه فرزند تعادل برقرار کرده‌اند یا خیر. ارزش کودک به نمره‌های او محدود نیست و تفاوت استعدادهای کودکان نباید مبنای تحقیر یا محرومیت آن‌ها قرار گیرد.

نقش متقابل خانه، مدرسه و ضرورت ایجاد مسیرهای امن حمایتی

این حقوقدان با اشاره به اینکه نباید این بار سنگین را تنها به خانواده سپرد، یادآور شد: آموزش حقوق کودک مسئولیتی نیست که بتوان آن را فقط بر عهده خانواده گذاشت. والدین در خط مقدم این فرایند قرار دارند، زیرا نخستین الگوهای رفتاری کودک هستند اما مدرسه، رسانه، نهادهای فرهنگی، نظام آموزشی و دستگاه‌های مسئول حمایت از کودک نیز وظایف مهمی دارند. اگر مدرسه درباره احترام و منع خشونت سخن بگوید، اما در عمل تحقیر دانش‌آموز را ابزار انضباط قرار دهد، پیام آموزشی آن متناقض خواهد بود. اگر رسانه‌ها از حقوق کودک سخن بگویند، اما تصویر و اطلاعات خصوصی او را بدون توجه به مصلحت و کرامتش منتشر کنند، آموزش حقوق به شعاری بی‌اثر تبدیل می‌شود. اگر خانواده از کودک مسئولیت‌پذیری بخواهد، اما هیچ فرصتی برای شنیده شدن و مشارکت او فراهم نکند، مسئولیت را از معنای متعادل خود تهی کرده است.

به همین دلیل، آموزش حقوق کودک باید از سطح سخنرانی‌های مناسبتی و مطالب پراکنده فراتر رفته و به بخشی پایدار از برنامه‌های تربیتی و آموزشی تبدیل شود. آشنایی با حقوق باید متناسب با سن کودکان و با استفاده از داستان، بازی، گفت‌وگو، موقعیت‌های روزمره و تمرین‌های عملی صورت گیرد. کودک خردسال باید بتواند مرزهای بدنی خود را بشناسد و در صورت احساس ناامنی کمک بخواهد، دانش‌آموز باید با مفهوم احترام، منع تبعیض و حق شنیده شدن آشنا شود و نوجوان باید درباره حریم خصوصی، امنیت دیجیتال، روابط سالم و شیوه مراجعه به سازوکارهای حمایتی آگاهی پیدا کند.

سیدناصری به لزوم دسترسی به سازوکارهای مطمئن گزارش‌دهی اشاره کرده و گفت: آگاهی کودک از حقوق خود، به‌تنهایی تضمین‌کننده تحقق آن‌ها نیست. کودکی که می‌داند مورد آزار قرار گرفته است، اگر با نبود مسیر امن گزارش‌دهی، بی‌توجهی بزرگسالان یا ترس از پیامدهای افشا مواجه شود، ممکن است همچنان نتواند از حق خود برخوردار شود. ازاین‌رو، آموزش باید با ایجاد سازوکارهای حمایتی قابل دسترس، محرمانه و متناسب با سن کودک همراه باشد. مسئولیت بزرگسالان این است که محیطی فراهم کنند که در آن، بیان نگرانی و درخواست کمک با سرزنش، تهدید یا بی‌اعتنایی روبه‌رو نشود.

تربیت شهروند آگاه در گرو توازن میان حق و مسئولیت

دکتر محمدمهدی سیدناصری در پایان این گفت‌وگو با پیوند دادن حقوق با مسئولیت‌های اجتماعی تأکید کرد: شناخت حقوق کودک باید با آموزش احترام به حقوق دیگران همراه باشد. کودک باید بداند که همان‌گونه که بدن، احساسات، حریم خصوصی و دیدگاه او محترم است، دیگران نیز از همین کرامت برخوردارند. حقوق بدون توجه به مسئولیت‌های متقابل می‌تواند به برداشتی ناقص از زندگی اجتماعی بیانجامد و مسئولیت بدون شناخت حقوق، زمینه اطاعت کورکورانه و پذیرش رفتارهای نادرست را فراهم کند. تربیت شهروند آگاه زمانی معنا پیدا می‌کند که کودک هم حق خود را بشناسد و هم بیاموزد چگونه حق دیگران را رعایت کند. وی سخنان خود را با این پیام روشن به پایان رساند مهم‌ترین جمله‌ای که باید در خانه، مدرسه و جامعه به کودکان آموخت، این است"تو فقط کسی نیستی که بزرگ‌ترها باید از او مراقبت کنند، تو انسانی هستی که حق داری با امنیت، احترام و کرامت زندگی کنی. کودکی که این حقیقت را می‌آموزد، بهتر می‌تواند نگرانی‌های خود را بیان کند، در موقعیت‌های خطرناک کمک بخواهد، درباره زندگی‌اش پرسش کند و در آینده نسبت به حقوق دیگران نیز حساس باشد. جامعه‌ای که خواهان شهروندانی مسئول، مشارکت‌جو و قانون‌مدار است، نمی‌تواند آموزش حقوق را تا بزرگسالی به تعویق بیندازد. احترام به قانون از جایی آغاز می‌شود که انسان، هم حقوق خود را بشناسد و هم حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد؛ و این آموزش، باید از کودکی آغاز شود.

تک‌فرزندی؛ پایان تدریجی الگوی خانواده‌های پرجمعیت در ایران

گزارش : ایرنا



کاهش تمایل به فرزند دوم، کوتاه‌تر شدن دوره فرزندآوری و افزایش فاصله میان تولد فرزندان، نشانه‌هایی از دگرگونی عمیق در الگوی خانواده ایرانی است؛ تغییری که به نظر می‌رسد تک‌فرزندی را از یک انتخاب محدود به یکی از گزینه‌های جدی نسل جدید تبدیل کرده است.

زمانی نه‌چندان دور، خانه‌های ایرانی با صدای چند فرزند، رفت‌وآمد خواهرها و برادرها و جمع‌های خانوادگی پرجمعیت شناخته می‌شدند. در بسیاری از خانواده‌ها، داشتن چهار، پنج یا حتی تعداد بیشتری فرزند امری عادی بود و بزرگ شدن در کنار چند خواهر و برادر، بخش جدایی‌ناپذیر تجربه زندگی خانوادگی به شمار می‌رفت.

اما امروز تصویر خانواده ایرانی به‌تدریج در حال تغییر است. خانواده‌هایی که روزگاری فرزندآوری را در چند مرحله از زندگی تجربه می‌کردند، اکنون در موارد بیشتری به داشتن یک فرزند بسنده می‌کنند. برای بخشی از زوج‌های جوان، فرزند دوم دیگر یک اتفاق طبیعی و تقریباً قطعی پس از تولد فرزند اول نیست، بلکه به تصمیمی مستقل، دشوار و گاه منتفی تبدیل شده است.

این تغییر تنها در تعداد فرزندان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه زمان فرزندآوری، فاصله میان تولدها و حتی مدت‌زمانی که زنان در سنین باروری صاحب فرزند می‌شوند نیز دستخوش تحول شده است.

کاهش هفت‌ساله فاصله میان نخستین و آخرین فرزند

گزارش تازه مرکز رصد جمعیت کشور درباره تحولات نسلی رفتار باروری زنان ایرانی در یک قرن اخیر، تصویری آماری از این دگرگونی ارائه می‌دهد.

بر اساس این گزارش، متوسط فاصله سنی میان تولد نخستین و آخرین فرزند زنان متولد سال ۱۳۲۵ حدود ۱۳ سال بوده است؛ رقمی که برای زنان متولد ۱۳۳۵ به ۱۱ سال، متولد ۱۳۴۵ به ۹ سال، متولد ۱۳۵۵ به هشت سال و برای زنان متولد ۱۳۶۵ به شش سال کاهش یافته است.

به بیان دیگر، در فاصله نسل‌های مورد بررسی، دوره زمانی فرزندآوری زنان حدود هفت سال کوتاه‌تر شده است؛ تغییری که نشان می‌دهد خانواده‌ها نه‌تنها فرزندان کمتری دارند، بلکه در بازه زمانی محدودتری نیز اقدام به فرزندآوری می‌کنند.

این شاخص از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا فاصله میان تولد نخستین و آخرین فرزند می‌تواند تصویری از طول دوره فرزندآوری در خانواده‌ها ارائه دهد. هرچه این فاصله کوتاه‌تر شود، فرصت زمانی برای تصمیم‌گیری درباره فرزند بعدی نیز محدودتر خواهد شد. البته باید توجه داشت که این شاخص به‌تنهایی تعداد فرزندان هر خانواده را مشخص نمی‌کند، اما در کنار سایر داده‌های باروری می‌تواند نشانه‌ای از تغییر اندازه خانواده و کوتاه‌تر شدن دوره فرزندآوری باشد.

سن مادران؛ تغییر محدود در برابر تحول بزرگ

نکته قابل توجه دیگر در این گزارش، تغییرات میانگین سن مادران هنگام تولد نخستین فرزند است؛ شاخصی که برخلاف فاصله تولد فرزندان، نوسانات محدودتری داشته است.

میانگین سن مادران متولد ۱۳۲۵ هنگام ثبت نخستین فرزند ۲۳ سال بوده که این رقم برای زنان متولد ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ به ۲۲ سال رسیده است. در نسل‌های بعدی، این میانگین افزایش یافته و برای زنان متولد ۱۳۵۵ به ۲۴ سال و متولد ۱۳۶۵ به ۲۵ سال رسیده است.

این ارقام نشان می‌دهد که در نسل‌های جدیدتر، تجربه نخستین مادری با تأخیر بیشتری اتفاق افتاده است؛ موضوعی که می‌تواند با افزایش مدت تحصیل، تغییر الگوهای ازدواج، ورود گسترده‌تر زنان به بازار کار و تغییر اولویت‌های زندگی مرتبط باشد.

در واقع، وقتی سن شروع فرزندآوری افزایش پیدا می‌کند و در عین حال تمایل به داشتن فرزندان بیشتر کاهش می‌یابد، دوره قابل استفاده برای تولد فرزندان بعدی نیز محدودتر می‌شود. ترکیب این دو روند می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در گسترش خانواده‌های کم‌جمعیت باشد.

از بهبود شرایط سلامت تا تغییر سیاست‌های جمعیتی

تحولات رفتار باروری در ایران را نمی‌توان جدا از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌های جمعیتی دهه‌های گذشته بررسی کرد.

بررسی تاریخی داده‌های مرکز رصد جمعیت نشان می‌دهد که در نسل‌های قدیمی‌تر، میانگین سن مادران هنگام تولد نخستین فرزند بالاتر بوده است؛ برای زنان متولد ۱۳۰۵ و ۱۳۱۵ این میانگین به ترتیب ۲۷ و ۲۵ سال گزارش شده است.

در ادامه، با بهبود وضعیت بهداشت و سلامت، کاهش مرگ‌ومیر مادران و نوزادان و تغییر شرایط زندگی، الگوهای فرزندآوری نیز دستخوش تحول شده‌اند.

از سوی دیگر، آغاز برنامه‌های تنظیم خانواده از دهه ۱۳۴۰ و گسترش آن در دهه‌های بعد، نقش مهمی در تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به تعداد فرزندان داشت. به‌تدریج، خانواده کوچک‌تر به الگویی پذیرفته‌شده تبدیل شد و تصمیم‌گیری آگاهانه درباره زمان و تعداد فرزندان جایگزین بخشی از رفتارهای سنتی فرزندآوری شد.

با این حال، تحولات سال‌های اخیر را نمی‌توان صرفاً ادامه سیاست‌های تنظیم خانواده در گذشته دانست؛ زیرا شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امروز، عوامل تازه‌ای را وارد معادله فرزندآوری کرده است.

چرا فرزند دوم به تصمیمی دشوار تبدیل شده است؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره افزایش تمایل به تک‌فرزندی این است که چرا بسیاری از خانواده‌ها پس از تجربه نخستین فرزند، برای تولد فرزند دوم اقدام نمی‌کنند یا تصمیم خود را به تعویق می‌اندازند؟

افزایش هزینه‌های زندگی، دشواری تأمین مسکن، هزینه‌های آموزش و نگهداری کودک و نااطمینانی نسبت به آینده اقتصادی، از جمله عواملی هستند که می‌تواند تصمیم خانواده‌ها برای فرزندآوری مجدد را تحت تأثیر قرار دهد.

در شرایطی که بسیاری از زوج‌های جوان برای تأمین نیازهای اولیه زندگی با محدودیت روبه‌رو هستند، تولد فرزند دوم به معنای پذیرش مسئولیت مالی و زمانی بیشتری است؛ مسئولیتی که ممکن است با توان اقتصادی و شرایط شغلی خانواده تناسب نداشته باشد.

از سوی دیگر، تغییر سبک زندگی و افزایش انتظارات والدین از کیفیت تربیت فرزند نیز در این میان اهمیت دارد. بسیاری از خانواده‌های امروزی ترجیح می‌دهند منابع مالی، زمان و توجه بیشتری را صرف آموزش، سلامت و پرورش یک فرزند کنند.

در چنین شرایطی، تصمیم به داشتن فرزند بیشتر تنها به تمایل عاطفی زوج‌ها وابسته نیست، بلکه به ارزیابی آنها از توانایی تأمین آینده مطلوب برای فرزندان نیز ارتباط پیدا می‌کند.

نقش اشتغال زنان و دشواری ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی را نیز نباید نادیده گرفت. برای بسیاری از مادران، فرزندآوری مجدد می‌تواند به معنای وقفه در مسیر شغلی، افزایش فشارهای مراقبتی و محدود شدن فرصت‌های فردی و اجتماعی باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که حمایت‌های کافی برای نگهداری از کودکان و تسهیل بازگشت مادران به محیط کار وجود نداشته باشد.

فاصله شش‌ساله؛ هشداری درباره آینده فرزندآوری

یکی از نکات مهم گزارش مرکز رصد جمعیت، متوسط فاصله ۶ ساله میان تولد فرزند اول و دوم در تولدهای سال ۱۴۰۴ است؛ آماری که در کنار افزایش شمار مادران تک‌فرزند، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رفتار خانواده‌ها در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری مجدد باشد.

البته این فاصله به معنای آن نیست که همه خانواده‌ها دقیقاً پس از ۶ سال صاحب فرزند دوم می‌شوند یا تمام مادران تک‌فرزند برای همیشه از فرزندآوری مجدد صرف‌نظر می‌کنند. با این حال، طولانی شدن فاصله میان دو تولد می‌تواند احتمال به تعویق افتادن یا منتفی شدن تصمیم برای فرزند بعدی را افزایش دهد.

در واقع، هرچه تصمیم برای تولد فرزند دوم بیشتر به سال‌های بعد موکول شود، محدودیت‌های زمانی و زیستی نیز می‌تواند در تحقق این تصمیم نقش بیشتری پیدا کنند.

این مسئله به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم افزایش سن نخستین فرزندآوری نیز در نسل‌های جدیدتر مشاهده می‌شود. بنابراین، تأخیر در تولد فرزند اول و طولانی شدن فاصله میان تولد فرزندان می‌تواند در مجموع به کوتاه‌تر شدن دوره فرزندآوری و کاهش تعداد نهایی فرزندان منجر شود.

تک‌فرزندی؛ انتخاب فردی یا نتیجه شرایط اجتماعی

افزایش خانواده‌های تک‌فرزند را نباید صرفاً به تغییر سلیقه یا نگرش نسل جدید نسبت داد. اگرچه ارزش‌ها، سبک زندگی و اولویت‌های شخصی در این تصمیم تأثیرگذار هستند، اما شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

به عبارت دیگر، باید میان خانواده‌ای که با وجود برخورداری از شرایط مناسب، آگاهانه به داشتن یک فرزند تمایل دارد و خانواده‌ای که به دلیل محدودیت‌های اقتصادی، شغلی یا حمایتی امکان فرزندآوری بیشتر را ندارد، تفاوت قائل شد.

این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که سیاست‌گذاری جمعیتی نمی‌تواند صرفاً با توصیه به افزایش فرزندآوری یا تأکید بر ارزش خانواده پرجمعیت به نتیجه مطلوب برسد. اگر موانع واقعی پیش روی خانواده‌ها برطرف نشود، فاصله میان تمایل به فرزندآوری و امکان تحقق آن همچنان باقی خواهد ماند.

از این منظر، حمایت از خانواده‌ها باید فراتر از مشوق‌های مقطعی باشد و موضوعاتی مانند دسترسی به مسکن مناسب، امنیت شغلی، ثبات اقتصادی، خدمات مراقبت از کودک، حمایت از مادران شاغل و کاهش هزینه‌های تربیت فرزند را در برگیرد.

آیا آینده خانواده ایرانی در مسیر کوچک‌تر شدن است

داده‌های مرکز رصد جمعیت کشور نشان می‌دهد که الگوی خانواده ایرانی در چند دهه گذشته از نظر تعداد فرزندان و طول دوره فرزندآوری تغییرات قابل توجهی داشته است. کاهش فاصله میان نخستین و آخرین فرزند، افزایش سن مادران هنگام تولد نخستین فرزند در نسل‌های جدیدتر و متوسط فاصله ۶ ساله میان تولد فرزند اول و دوم در سال ۱۴۰۴، همگی نشانه‌هایی از این تحول هستند. اگر این روندها ادامه پیدا کند، احتمال دارد در سال‌های آینده سهم خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند افزایش یابد و خانواده‌های دارای چند فرزند سهم کمتری از ساختار جمعیتی کشور داشته باشند.

این تحول تنها یک تغییر در اندازه خانواده نیست؛ بلکه می‌تواند در بلندمدت بر روابط خویشاوندی، شبکه‌های حمایت خانوادگی، تجربه فرزندپروری و حتی ساختار جمعیتی و اجتماعی کشور تأثیر بگذارد. در نهایت، مسئله اصلی این نیست که چرا خانواده ایرانی دیگر مانند گذشته پرجمعیت نیست، بلکه این است که چه شرایطی باعث شده فرزند دوم و سوم برای بخش بیشتری از خانواده‌ها به تصمیمی دشوار تبدیل شود.

پیشگیری از خشونت علیه زنان باید از مداخله موردی به سازوکار ملی تبدیل شود

گزارش : ایرنا



معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با تاکید بر ضرورت تکمیل چرخه حمایت از زنان در معرض خشونت، شفاف‌سازی مسئولیت دستگاه‌ها و طراحی مداخلات مبتنی بر داده و پژوهش، پیشنهاد کرد تا کارگروه مشترک برای تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه علیه زنان تشکیل شود و گفت: پیشگیری از خشونت علیه زنان باید از مداخله موردی به سازوکار ملی و نظام‌مند تبدیل شود.

زهرا بهروزآذر در دیدار با مهدی امیری‌اصفهانی معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی و قضایی برای صیانت از امنیت زنان و خانواده، قانون اساسی را مبنای اصلی فعالیت‌های معاونت امور زنان و خانواده دانست.

وی اظهار کرد: اصول سوم، دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی، ظرفیت‌های مهمی برای تحقق حقوق شهروندان، تحکیم خانواده و حمایت از زنان پیش‌بینی کرده‌اند که باید بیش از گذشته در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرند.

بهروز آذر ادامه داد: همچنان در تحقق کامل برخی از این تکالیف فاصله داریم و ضروری است آن‌ها را به‌عنوان مسئولیت‌های صریح قانون اساسی با جدیت دنبال کنیم.

معاون رئیس‌جمهور یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری مشترک با قوه قضاییه را تقویت امنیت اعضای خانواده و پیشگیری از وقوع جرم و خشونت در این محیط دانست و اظهار داشت: امنیت باید برای همه اعضای خانواده تأمین شود. اگر خانواده را بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی می‌دانیم، باید پیش از هر چیز مراقبت کنیم که همه اعضای آن در این محیط احساس امنیت داشته باشند.

ضرورت توجه به زنان مطلقه جوان و سالمندان در سیاست‌های پیشگیرانه

بهروزآذر با بیان اینکه در حوزه کودکان، قوانین و سازوکارهای حمایتی نسبتاً مناسبی وجود دارد، اما در زمینه حمایت از زنان همچنان با کاستی‌هایی مواجه هستیم، تصریح کرد: در کنار پیگیری لایحه مربوط به این موضوع، باید ظرفیت‌ها و ابتکارات موجود در دستگاه‌های مختلف را شناسایی، شفاف و تثبیت کنیم تا حمایت از زنان به یک سازوکار فراگیر و در دسترس همه شهروندان تبدیل شود.

وی با اشاره به برخی مسائل اجتماعی و اقتصادی زنان که نیازمند مداخله پیشگیرانه و برنامه‌ریزی مشترک است، وضعیت زنان مطلقه زیر ۲۰ سال را یکی از موضوعات مهم دانست و خاطرنشان کرد: لازم است تعداد این زنان، شرایط زندگی و روند تغییرات این مسئله به‌صورت دقیق بررسی شود. باید توجه کنیم که چگونه دختری که بر اساس قوانین کشور همچنان در سن کودکی یا نوجوانی قرار دارد، ممکن است در پی ازدواج و سپس طلاق، به زن سرپرست خانوار تبدیل شود. این گروه به حمایت و برنامه‌ریزی متناسب با شرایط خاص خود نیاز دارند.

معاون رئیس‌جمهور با هشدار نسبت به افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی زنان سالمند، ابراز داشت: با توجه به روند سالمندی جمعیت و زنانه شدن بخشی از فقر، باید از هم‌اکنون برای حمایت از زنانی برنامه‌ریزی کنیم که در دوران سالمندی به دلیل فقدان پشتوانه مالی و دارایی مستقل، در معرض فقر، بی‌پناهی و حتی آزار قرار می‌گیرند.

بهروزآذر با بیان اینکه ممکن است زنی سال‌ها در خانه و در کنار همسر خود زندگی کرده باشد، اما پس از فوت همسر، به دلیل پایین بودن میزان مهریه، بخشیدن آن در طول زندگی یا محدود بودن سهم‌الارث، پشتوانه مالی کافی نداشته باشد، عنوان کرد: در برخی موارد نیز برای تقسیم ارث، فروش خانه ضرورت پیدا می‌کند و زنی که در ۶۰، ۷۰ یا ۸۰ سالگی قرار دارد، ممکن است سرپناه خود را از دست بدهد.

وی ادامه داد: اگر به دنبال پیشگیری از سالمندآزاری هستیم، باید ریشه‌های اقتصادی و حقوقی این مسئله را نیز بشناسیم. افزایش آگاهی خانواده‌ها، تقویت سازوکارهایی مانند صلح عمری و بررسی اصلاحات قانونی می‌تواند بخشی از راهکارهای پیشگیرانه در این زمینه باشد.

شناسایی ۱۱ عامل مؤثر بر احساس ناامنی در یک مطالعه میدانی در تهران

معاون رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت توجه به امنیت زنان در فضاهای عمومی، اجتماعی و محیط کار، به تجربه یک طرح پژوهشی و میدانی در سال ۱۴۰۰ در منطقه ۹ تهران اشاره کرد و یادآور شد: نتایج این بررسی به شناسایی ۱۱ گونه از عوامل ایجادکننده احساس ناامنی منجر شد. تاریکی معابر، خلوتی بیش از حد، ازدحام و شرایط نامناسب برخی گذرها از جمله عوامل مؤثر بودند.

وی ادامه داد: همچنین مشخص شد که گاهی حتی وقوع یک حادثه در گذشته، بدون تکرار آن در سال‌های بعد، همچنان در ذهن شهروندان باقی می‌ماند و موجب می‌شود زنان از عبور از یک مسیر خودداری کنند یا برای رفت‌وآمد، مسیرهای طولانی‌تری را انتخاب کنند.

بهروزآذر افزود: در برخی گذرها که صرفاً مردانه تلقی می‌شدند، زنان ترجیح می‌دادند از مسیرهای دیگری عبور کنند. این یافته‌ها نشان داد که احساس امنیت تنها به وقوع یا عدم وقوع جرم وابسته نیست، بلکه عوامل محیطی و اجتماعی نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند.

وی با اشاره به راهکارهای پیشنهادی این طرح، از جمله بهبود روشنایی معابر با همکاری شرکت توزیع برق، افزایش نظارت اجتماعی و استقرار واحدهای انتظامی در نقاط ناامن، بیان کرد: حضور یک خودروی پلیس در برخی نقاط می‌تواند احساس نظارت اجتماعی را تقویت و زمینه وقوع آزار و خفت‌گیری را کاهش دهد.

به گفته معاون رئیس‌جمهور، توجه به امنیت شهری نباید صرفاً به زنان محدود شود؛ کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت نیز از گروه‌هایی هستند که بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. بنابراین، طراحی شهر و خدمات عمومی باید با در نظر گرفتن نیازها و شرایط متنوع همه گروه‌های اجتماعی انجام شود.

حمایت از زنان نباید به زمان وقوع خشونت و ثبت آثار آن موکول شود

بهروزآذر با اشاره به ظرفیت شبکه اورژانس اجتماعی در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، بر ضرورت رفع محدودیت‌های موجود در حمایت از زنان در معرض خشونت تاکید کرد و گفت: در حال حاضر، در برخی موارد امکان مداخله حمایتی برای زنان با محدودیت‌هایی مواجه است و لازم است سازوکارهای موجود به‌گونه‌ای تکمیل شوند که امکان پیشگیری و حمایت به‌موقع فراهم شود.

وی اضافه کرد: باید سازوکارهایی داشته باشیم که امکان مداخله پیشگیرانه و حمایت به‌موقع از زنان در معرض خطر را فراهم کند؛ به‌ویژه در شرایطی که خروج زن از منزل نیز ممکن است او را با مسائل حقوقی و اجتماعی دیگری مواجه سازد. باید برای همه شهروندان، سازوکاری روشن و قابل دسترس طراحی شود.

معاون رئیس‌جمهور با اشاره به برنامه در دست تدوین برای کنترل و پیشگیری از خشونت بر اساس دستور معاون اول رئیس‌جمهور، خواستار تجمیع ظرفیت‌های دستگاه‌های مختلف، شفاف‌سازی وظایف و تعیین نقش هر دستگاه در چرخه حمایت شد و اظهار داشت: مردم باید بدانند در صورت مواجهه با خشونت به کجا مراجعه کنند، با چه نهادی تماس بگیرند و نخستین اقدام حمایتی چیست.

به گفته بهروزآذر، ضروری است سازوکاری فراهم شود تا فرد آسیب‌دیده از نخستین مراحل به خدمات پزشکی و قانونی دسترسی داشته باشد، آثار خشونت ثبت و مستند شود و در صورت نیاز، این مستندات در فرایندهای قضایی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین باید پروتکل‌های غربالگری و شناسایی زنان آسیب‌دیده دوباره فعال شود تا افراد آسیب‌دیده، اعم از زنان و مردان، به‌موقع شناسایی و از خدمات حمایتی برخوردار شوند.

وی با تأکید بر ضرورت توجه ویژه به خشونت علیه زنان تصریح کرد: حمایت از همه افراد آسیب‌دیده ضروری است، اما باید متناسب با ابعاد و فوریت مسائل، توجه ویژه‌ای به زنانی داشته باشیم که در معرض خطر بیشتری قرار دارند. بی‌توجهی و مداخله نکردن در برابر رفتارهای مجرمانه، عملاً می‌تواند زمینه تداوم خشونت را فراهم کند.

چرا با افزایش سن، بیشتر احساس سرما می‌کنیم؟

بدن یک سامانه گرمایش طبیعی دارد که با افزایش سن ضعیف می‌شود. دانشمندان سازوکار پنهان آن را کشف کرده‌اند و می‌گویند این یافته می‌تواند به درک بهتر چاقی و دیابت نوع ۲ کمک کند و شاید امکان بازگرداندن کارآیی این سامانه را فراهم کند.

به گزارش گروه علمی ایرنا، وبگاه سای‌تِک‌دِیلی در گزارشی آورده است:

با افزایش سن، گرم‌ماندن می‌تواند دشوارتر شود، اما دلیل آن ممکن است فراتر از تغییرات گردش خون یا توده عضلانی باشد. در عمق بدن، نوع خاصی از چربی مانند یک بخاری درونی عمل می‌کند؛ وقتی دما پایین می‌آید کالری می‌سوزاند و گرما تولید می‌کند؛ اما با گذشت زمان قدرت این سامانه کاهش می‌یابد و ممکن است نه تنها بر نحوه مقابله بدن با سرما، بلکه بر نحوه استفاده از انرژی نیز تأثیر بگذارد. اکنون پژوهشگران مرکز پژوهشی سیتی آو هوپ (City of Hope) در آمریکا سازوکار زیستی را کشف کرده‌اند که توضیح می‌دهد چرا این سامانه گرمایش طبیعی با افزایش سن کُند می‌شود. مطالعه آن‌ها که در مجله نیچِر/ Nature منتشر شده، نشان می‌دهد چگونه ارتباط بین اعصاب، سلول‌های ایمنی و چربی گرماساز (thermogenic fat) در طول زمان تغییر می‌کند. کیونگ آنابل وانگ (Qiong "Annabel" Wang)، نویسنده مسئول مطالعه و دانشیار مؤسسه تحقیقات دیابت و متابولیسم آرتور ریگز در سیتی آو هوپ گفت: آموختن اینکه بدن چگونه این فرآیند را کنترل می‌کند، می‌تواند به درک بهتر چاقی، دیابت نوع ۲ و سایر اختلالات مربوط به سوخت‌وساز بدن کمک کند.

چربی چگونه گرما تولید می‌کند؟ چربی گرماساز بدن از سلول‌هایی با سطوح فعالیت متفاوت تشکیل شده است. پژوهش‌های پیشین سیتی آو هوپ نشان داده بود برخی از این سلول‌ها مقدار زیادی یوسی‌پی‌وان/ UCP۱ (پروتئینی که گرما تولید می‌کند) دارند، در حالی که برخی دیگر این پروتئین را کمتر دارند و گرمای کمتری تولید می‌کنند. مطالعه جدید ترکیب مشابهی را در نمونه‌های چربی گرماساز انسان شناسایی کرد، هرچند بیشتر آزمایش‌ها روی موش‌ها انجام شد. این ترکیب به بدن کمک می‌کند ذخیره‌ای از توان گرمایشی داشته باشد. وقتی هوا سرد می‌شود، سیگنال‌های عصبی و ایمنی به سلول‌هایی که فعالیت کمتری دارند، فرمان می‌دهند گرمای بیشتری تولید کنند. وقتی هم که نیاز به گرما کاهش می‌یابد، سامانه می‌تواند دوباره فعالیت آن‌ها را کاهش دهد. اما در موش‌های مسن، این تنظیم کندتر انجام می‌شد. چربی گرماساز آن‌ها هنوز توان تولید گرمای بیشتر را داشت، اما دیرتر پاسخ می‌داد؛ همین باعث می‌شد حیوانات در سرما سخت‌تر بتوانند دمای بدنشان را حفظ کنند.

آیا می‌توان گرمکن را دوباره روشن کرد؟ پژوهشگران سپس بررسی کردند آیا می‌توانند آن مسیر زیستی را که باعث این تأخیر می‌شود مسدود کنند. برای این کار از داروی میفپریستون (mifepristone) استفاده کردند که بیشتر برای هدفی دیگر در پزشکی شناخته می‌شود، اما پژوهش‌های قبلی نشان داده بود می‌تواند بر چربی گرماساز اثر بگذارد. آن‌ها با این دارو بخشی از مسیر مدنظر را بستند. نتیجه این بود که موش‌های مسن تا حدی دوباره گرمای بیشتری تولید کردند و انرژی بیشتری سوزاندند. این یافته نشان می‌دهد دستکم بخشی از کندی چربی گرماساز ممکن است جبران‌پذیر باشد.

فراتر از گرم‌ماندن

وانگ گفت: اهمیت این یافته فقط به گرم‌ماندن محدود نمی‌شود. چربی گرماساز علاوه بر تولید گرما، قند و چربی خون را هم می‌سوزاند و همین کار با افزایش سن کم میشود. اگر دانشمندان بتوانند راهی ایمن و دقیق برای فعال نگه‌داشتن این چربی پیدا کنند، این پژوهش می‌تواند در آینده به شناخت بهتر مشکلات سوخت‌وسازی سالمندان، از جمله چاقی و دیابت نوع ۲، کمک کند.

اخبار حوزه زنان

سه نشان برنز حاصل تلاش بانوان کاراته‌کای هرمزگان

بانوان کاراته‌کای هرمزگانی در مرحله سوم لیگ کاراته‌وان جنوب کشور که به میزبانی شیراز برگزار شد، با کسب سه مقام سومی خوش درخشیدند.

مرحله سوم لیگ کاراته‌وان جنوب کشور ۲۸ آبان‌ماه در شهر شیراز استان فارس برگزار شد و نمایندگان هرمزگان از سبک شوتوکان JSKA با عملکردی قابل قبول موفق به کسب سه مدال برنز شدند.

در این رقابت‌ها، فرحناز دشتی‌پور در رده بزرگسالان وزن منفی ۶۸ کیلوگرم، فاطمه بلوچ‌محمدمرادی در رده نونهالان وزن منفی ۳۵ کیلوگرم و مریم محمودی‌نژاد در رده بزرگسالان وزن منفی ۶۱ کیلوگرم، هر سه به مقام سوم دست یافتند.

هدایت تیم بانوان کاراته هرمزگان را اسما موسائی ایسینی بر عهده داشت و زهرا مکنونی نیز به‌عنوان سرپرست، تیم را در این رقابت‌ها همراهی کرد. کسب سه عنوان ارزشمند در این مسابقات، بار دیگر توانمندی بانوان کاراته‌کای هرمزگان را به نمایش گذاشت.

ضرورت غربالگری حین بارداری/ شناسایی حدود ۵۰۰ نوع بیماری نادر در کشور

عضو کمیسیون پزشکی بیماران نادر ایران گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که غربالگری حین بارداری در کشور ضروری است.

محمد یزدان حق شناس متخصص داخلی و عضو کمیسیون پزشکی بیماران نادر ایران گفت: شیوع بیماری‌های نادر در سراسر کشور است و تمرکز خاصی در منطقه‌ای از ایران وجود ندارد.

به گفته وی در ایران حدود ۵۰۰ گونه بیماری نادر شناسایی شده است. بیماری پروانه ای یا بیماری های خونی جزو بیماری‌های نادر محسوب می‌شود. حق شناس تاکید کرد: غربالگری در حین بارداری باید انجام شود که این موضوع فعلا کنسل شده است. الان حدود ۱۴۰ بیماری نادر تحت پوشش بیمه‌ها قرار گرفته است.

وی ادامه داد: در حال حاضر با توجه روش‌های تشخیصی جدید تعداد موارد بیماران نادر در کشور افزایش یافته است. آموزش‌های لازم به پزشکان در خصوص بیماری‌های نادر ارائه می‌شود.

رئیس فراکسیون بانوان مجلس:
نقش بانوان از حمایت به هدایت رسیده است/ هرمزگان؛ کانون تاب‌آوری کشور

رئیس فراکسیون بانوان مجلس شورای اسلامی گفت: نقش بانوان از سطح حمایتی فراتر رفته و امروز به یک نقش هدایتی تبدیل شده است و استان هرمزگان در این زمینه پیشتاز و کانون تاب‌آوری کشور محسوب می‌شود.

زهرا خدادادی در نشست بانوان پیشران اقتصاد هرمزگان که با حضور فاطمه جراره، نماینده مردم هرمزگان در مجلس شورای اسلامی، محدثه درویشی، مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری ، سپیده جوادی مدیرکل اجتماعی استانداری و جمعی از بانوان فعال اقتصادی در سالن جلسات اتاق بازرگانی هرمزگان برگزار شد، با قدردانی از نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های گوناگون اظهار کرد: فعالیت اقتصادی در شرایط دشوار اقتصادی، پیچیدگی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد؛ ازاین‌رو به بانوان توانمند هرمزگان که هم‌زمان محور خانواده و پیشران اقتصاد هستند، خداقوت می‌گویم.

وی با اشاره به تحولات اخیر و ایستادگی ملت ایران تصریح کرد: در مقاومت ایران در برابر ابرقدرت‌های دنیا، زنان محور اصلی بودند و استان هرمزگان در این حوزه پیشتاز، پیشرو و کانون تاب‌آوری کشور است که امیدواریم با همین روحیه، همچنان در صحنه‌های مختلف پیروز میدان باشیم. رئیس فراکسیون بانوان مجلس شورای اسلامی با اشاره به حضور خود به عنوان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، بر حمایت همه‌جانبه از مطالبات اقتصادی بانوان تأکید کرد و افزود: تمام‌قد در خدمت بانوان به‌ویژه در مسائل اقتصادی هستیم تا بتوانیم موانع را در کمیسیون مربوطه پیگیری و مرتفع کنیم. خدادادی با تمجید از جایگاه مدیریت بانوان در هرمزگان گفت: این استان از نظر حضور بانوان در رده‌های مدیریتی نسبت به سایر استان‌ها پیشتاز و پیشرو است که جای خوشحالی و تبریک دارد. وی همچنین با تجلیل از عملکرد نماینده مردم استان در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: خانم جراره به عنوان نماینده‌ای پرتلاش، دغدغه‌مند، شجاع و باصداقت در مجلس فعالیت می‌کند و با وجود تعداد معدود نمایندگان زن در خانه ملت، این بانوان علاوه بر پیگیری مطالبات حوزه انتخابیه خود، صدای نیمی از جمعیت کشور و مطالبات حوزه زنان را به طور ویژه دنبال می‌کنند.

نماینده مردم هرمزگان در مجلس شورای اسلامی:

هرمزگان در خط مقدم اقتصاد و مقاومت است/ ضرورت نگاه ویژه به مطالبات بانوان فعال اقتصادی

نماینده مردم هرمزگان در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه مردم این استان در خط مقدم صیانت از کشور قرار دارند، گفت: بانوان فعال اقتصادی هرمزگان با وجود تمامی چالش‌ها، نقشی فراتر از انتظار ایفا می‌کنند و نیازمند حمایت و نگاه ویژه‌تر در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری هستند.

فاطمه جراره در حاشیه نشست بانوان پیشران اقتصاد هرمزگان، با اشاره به شرایط خاص و استراتژیک استان اظهار کرد: هرمزگان امروز بعنوان پایتخت اقتصادی کشور شناخته می‌شود و مردم نجیب، صبور و مقاوم این استان در شرایط جنگی و چالش‌های مختلف، با تمام توان پای کار نظام و کشور ایستاده‌اند. وی با اشاره به آسیب‌شناسی مسائل مطرح‌شده در این نشست تخصصی افزود: بانوان استان در حوزه‌های گمرک، دانش‌بنیان، گردشگری، صنایع دستی، سلامت و کشاورزی با نگاهی دقیق و کارشناسی به بیان چالش‌ها پرداخته‌اند و این نشان‌دهنده ظرفیت بالای فکری و اجرایی بانوان هرمزگان است که باید از این پتانسیل به‌خوبی بهره‌برداری شود. عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی با انتقاد از برخی کاستی‌ها در جذب اعتبارات و تسهیلات استانی تصریح کرد: مدیران استانی باید در قبال فرصت‌هایی که برای توسعه و رفع موانع بانوان از دست رفته است، پاسخگو باشند؛ وظیفه نمایندگان نظارت و پیگیری حقوق بحق مردم استان است و ما اجازه نخواهیم داد ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هرمزگان به بهانه‌های مختلف خارج شود. جراره با تأکید بر پیگیری مطالبات حوزه درمان و سلامت بانوان خاطرنشان کرد: در بخش زیرساخت‌های درمانی و تخصیص منابع، نگاه ویژه‌ای به استان داشته‌ایم و با اخذ مجوز جذب نیروی بومی و توسعه تجهیزات پزشکی تلاش کرد دغدغه خانواده‌ها و بانوان را کاهش دهیم. وی در پایان با اشاره به در پیش بودن هفته بزرگداشت مقام زن و میلاد حضرت فاطمه زهرا (س)، پیشنهاد کرد: با همکاری فراکسیون بانوان مجلس شورای اسلامی، جلسات تخصصی ویژه‌ای برای پیگیری مشکلات فعالان اقتصادی هرمزگان و اختصاص ردیف‌های حمایتی متناسب با شرایط جنگی و استراتژیک استان برگزار شود تا بتوانیم گامی مؤثر در جهت رفع موانع تولید و اشتغال بانوان برداریم.

محدثه درویشی مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری هرمزگان در این نشست به ایسنا گفت: مسائل و مطالبات بانوان فعال اقتصادی استان در قالب «نظام مسائل» تجمیع و برای پیگیری به دستگاه‌های مسئول ارجاع می‌شود.

درویشی از تلاش‌های منسجم بانوان فعال اقتصادی استان برای پیگیری مطالبات و حقوق خود قدردانی کرد و گفت: طرح دقیق و تخصصی مسائل بانوان در این نشست، نشان‌دهنده ظرفیت ارزشمند و توانمندی زنان هرمزگان است.

وی با اشاره به برگزاری نشست‌هایی با جمعی از بانوان فعال اتاق بازرگانی و نمایندگان حوزه دانش‌بنیان و پارک علم و فناوری، افزود: در گفت‌وگوهای اخیر، بر شکل‌گیری گفتمان مشترک و تدوین نظام مسائل حوزه‌های مختلف بانوان تأکید شد؛ چراکه بسیاری از مطالبات مطرح‌شده به دستگاه‌های اجرایی متفاوتی مربوط است و پیگیری پراکنده آن‌ها ممکن است مانع رسیدن به نتیجه شود.

درویشی ادامه داد: بخشی از مسائل مطرح‌شده در نشست‌های پیشین گردآوری شده و روز شنبه در نشستی با مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بررسی می‌شود تا موضوعات مرتبط با این دستگاه، به‌صورت مشخص پیگیری شود. مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری هرمزگان با دعوت از نمایندگان بانوان برای مشارکت در نشست‌های تخصصی با دستگاه‌های اجرایی، اظهار کرد: لازم است مسائل حوزه‌های مختلف، از جمله فعالیت‌های اقتصادی و دانش‌بنیان، به‌صورت منسجم جمع‌آوری شود تا دستگاه‌های مسئول بتوانند درباره راهکارها و نحوه پیگیری آن‌ها پاسخگو باشند.

وی با اشاره به حضور بانوان در مسئولیت‌های مدیریتی استان، ابراز امیدواری کرد با همکاری دستگاه‌های اجرایی و بانوان توانمند هرمزگان، گام‌های مؤثری برای توانمندسازی زنان و حمایت از بانوان فعال اقتصادی برداشته شود.

فراجا مکلف به آموزش زنان شد

سخنگوی وزارت کشور با تشریح آخرین وضعیت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان اعلام کرد دولت فراجا را مکلف به فراهم کردن زیرساخت‌های آموزش، به‌کارگیری مربیان زن و صدور گواهینامه کرده است؛ موضوعی که همچنان در مراحل اجرایی و پیگیری قرار دارد. علی زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور و سخنگوی وزارت کشور، درباره آخرین وضعیت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان و علت طولانی شدن روند اجرای آن گفت وزارت کشور بررسی‌های لازم را در حوزه‌های مرتبط انجام داده و اقدامات این وزارتخانه در این زمینه به پایان رسیده است.

وی با اشاره به پیگیری موضوع در دو حوزه امنیتی و معاونت عمرانی وزارت کشور اظهار کرد: حوزه امنیتی وزارت کشور پیش‌تر نظر موافق خود را اعلام کرده و معاونت عمرانی نیز به‌عنوان دبیر شورای حمل‌ونقل و ترافیک، بررسی‌های لازم را انجام داده و بر تسریع در ساماندهی این موضوع تأکید کرده است.

زینی‌وند با اشاره به برخی موانع موجود در مسیر صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان، گفت یکی از مشکلات به قوانین موجود بازمی‌گشت که در آنها شرایط صدور گواهینامه برای مردان پیش‌بینی شده بود. همچنین فراهم نبودن زیرساخت‌های آموزش موتورسیکلت‌سواری بانوان و به‌کارگیری مربیان زن از دیگر چالش‌های اجرایی این موضوع بود. وی افزود با توجه به ملاحظات عرفی، فرهنگی و شرعی در زمینه آموزش موتورسیکلت‌سواری بانوان، لازم بود زیرساخت‌های متناسب برای آموزش زنان توسط مربیان زن فراهم شود. سخنگوی وزارت کشور با اشاره به تصمیم دولت برای رفع موانع اجرایی این موضوع تصریح کرد: دولت در اواخر سال گذشته با تصویب‌نامه‌ای، فراجا را مکلف کرده است زیرساخت‌های لازم برای آموزش بانوان، به‌کارگیری مربیان زن و فراهم کردن شرایط صدور گواهینامه را ایجاد کند.

زینی‌وند تأکید کرد وزارت کشور اقدامات مربوط به خود را انجام داده و پیگیری مراحل بعدی بر عهده دستگاه‌های متولی است. شورای ترافیک نیز در حال پیگیری موضوع است تا روند صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان هرچه سریع‌تر به نتیجه برسد.

هشدار درباره زایمان‌های مناسبتی/ تولد زودرس تهدیدی جدی برای سلامت نوزادان است

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به تولد سالانه حدود ۱۰۰ هزار نوزاد نارس در کشور، نسبت به پیامدهای زایمان‌های انتخابی و مناسبتی و افزایش خطر عوارض ناشی از تولد زودرس هشدار داد.

دکتر رضا سعیدی، همزمان با روز جهانی نوزاد نارس (۱۵ نوامبر)، نارسی را یکی از مهم‌ترین علل مرگ‌ومیر نوزادان عنوان کرد و گفت: حدود ۱۰ درصد نوزادان در جهان پیش از موعد مقرر متولد می‌شوند و نارسی عامل حدود ۳۵ درصد مرگ‌ومیرهای دوره نوزادی است.

وی با اشاره به آمار تولد در کشور افزود: با توجه به نزدیک به یک میلیون تولد سالانه در ایران، حدود ۱۰۰ هزار نوزاد نارس متولد می‌شوند و بخش قابل توجهی از بستری‌ها در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان به این گروه اختصاص دارد. همچنین حدود یک‌سوم مرگ‌های دوره نوزادی ناشی از نارسی و عوارض مرتبط با آن است.

عوارض نارسی می‌تواند تا سال‌ها سلامت کودک را تحت تأثیر قرار دهد دکتر سعیدی با تأکید بر اینکه پیامدهای تولد نارس به دوران نوزادی محدود نمی‌شود، اظهار کرد: رتینوپاتی نوزادان نارس که از علل مهم نابینایی قابل پیشگیری در جهان است، اختلالات شنوایی، مشکلات حرکتی و فلج مغزی از جمله عوارض احتمالی تولد زودرس هستند که می‌توانند سلامت کودک را در بلندمدت تحت تأثیر قرار دهند.

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با هشدار نسبت به زایمان‌های انتخابی و مناسبتی تصریح کرد: برخی خانواده‌ها به دلیل علاقه به تاریخ‌های خاص و رُند، خواهان برنامه‌ریزی برای تولد نوزاد در روز مشخصی هستند؛ در حالی که انجام زایمان پیش از موعد مناسب بارداری، بدون ضرورت پزشکی، می‌تواند زمینه‌ساز تولد نوزاد نارس و بروز عوارض متعدد شود.

وی با اشاره به اینکه تعداد تولدها در پنجم مرداد ۱۴۰۵ حدود سه برابر روزهای عادی بوده است، این افزایش را نشانه‌ای از انجام برخی زایمان‌های برنامه‌ریزی‌شده دانست و بر ضرورت آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها درباره پیامدهای تولد زودهنگام تأکید کرد.

مراقبت به‌موقع؛ راه کاهش عوارض نوزادان نارس

دکتر سعیدی روز جهانی نوزاد نارس را فرصتی برای افزایش آگاهی عمومی و حمایت از نوزادان نارس و خانواده‌های آنان دانست و گفت: باید از یک سو با پیشگیری از زایمان‌های زودهنگام غیرضروری، احتمال تولد نوزاد نارس را کاهش دهیم و از سوی دیگر با ارائه مراقبت‌های به‌موقع، انجام غربالگری‌ها و اقدامات درمانی مورد نیاز، از عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت نارسی پیشگیری کنیم تا این نوزادان در آینده از سلامت و کیفیت زندگی مطلوب برخوردار باشند.

ایجاد متولی امور زنان و خانواده در شهرداری‌های کشور در دستور کار قرار گرفت

گزارش : ایرنا



مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور از ایجاد ساختار و تعیین متولی امور زنان و خانواده در شهرداری‌های کشور خبر داد و گفت: یکی از برنامه‌های هفته زن، رونمایی از این ساختار و برگزاری نشست هم‌اندیشی با شهرداران منتخب، فرمانداران و بخشداران زن برای بهبود وضعیت زنان در شهرها و محلات است.

پروین داداندیش در دومین جلسه ستاد مرکزی هفته بزرگداشت زن- از ۹ آذر به مدت یک هفته- با اشاره به موضوع امنیت زنان و دختران در شهرها افزود: با توجه به اینکه فعالیت زنان در شهرها افزایش یافته، وظیفه ما است که محیطی امن چه از نظر کالبدی و چه از نظر فرهنگی و اجتماعی برای آنان فراهم کنیم.

داداندیش ادامه داد: از سال گذشته پیگیری کردیم تا برای حوزه زنان و خانواده در شهرداری‌های کشور متولی مشخصی تعیین شود؛ چراکه در شهرها متولی اجتماعی و فرهنگی داریم، اما متولی مشخصی برای امور زنان و خانواده وجود ندارد.

وی با تشریح مشکلات ناشی از نبود متولی مشخص در این حوزه اظهار کرد: برای مثال، وقتی قرار است در یک محله شرایطی برای زنان بهتر شود، از جمله تأمین روشنایی یا تسهیل رفت‌وآمد، دستگاه‌ها مسئولیت را به یکدیگر واگذار می‌کنند و در نهایت نیز به دلیل مشخص نبودن مسئولیت و بودجه، موضوع بلاتکلیف می‌ماند.

مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور افزود: پیشنهاد ما این بود که همانند شهر تهران که شهرداری آن دارای مرکز امور زنان و خانواده است، در همه شهرهای کشور نیز متولی مشخصی برای این حوزه داشته باشیم و دستور کار این مجموعه‌ها نیز روشن باشد.

داداندیش با بیان اینکه این پیشنهاد در حال تحقق است، گفت: خوشبختانه این موضوع پیش رفته و دستورالعمل آن نیز در آستانه ابلاغ قرار دارد. ما هماهنگی‌های لازم را انجام داده‌ایم تا مشخص شود چه اقداماتی در حوزه زنان و خانواده بر زمین مانده است و این مجموعه‌ها باید چه مسئولیت‌هایی را بر عهده بگیرند. همچنین فعالیت آن‌ها باید با سیاست‌های کلی معاونت امور زنان و خانواده و برنامه‌های ارتقا هماهنگ باشد.

وی یکی از رویدادهای پیش‌بینی‌شده برای هفته زن را برگزاری نشستی ویژه با فرمانداران و شهرداران منتخب عنوان کرد و افزود: در کشور ۱۶ شهردار زن، ۱۰۰ بخشدار زن و ۲۵ فرماندار زن داریم که این تعداد در تاریخ کشور بی‌سابقه است. امیدواریم در آینده تعداد شهرداران زن نیز افزایش پیدا کند.

رونمایی از ساختار امور زنان و خانواده در شهرداری‌ها

مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور با تشریح دو برنامه این وزارتخانه برای روز زن گفت: یکی از برنامه‌های ما رونمایی از ساختار امور زنان و خانواده در شهرداری‌ها است، همچنین قرار است با همکاری حدود پنج شهرداری کلان‌شهرها، این ساختار معرفی شود و نشست هم‌اندیشی با هدف هماهنگی آن با سایر ساختارها برگزار کنیم تا این مجموعه جدید بتواند به‌گونه‌ای عمل کند که وضعیت زنان در شهرها بهبود یابد.

داداندیش تأکید کرد: نباید اجازه دهیم دوباره موازی‌کاری شکل بگیرد و در نهایت زنان و به‌ویژه دختران جوان از این وضعیت آسیب ببینند.

وی با اشاره به رویکرد محوری برنامه‌های این حوزه گفت: رویکرد ما این است که «زن، سرمایه پیشرفت و تاب‌آوری ایران» باشد؛ موضوعی که به شعار برنامه‌های این نشست نیز تبدیل شده است.

نقش زنان در مدیریت انرژی و بازسازی مناطق آسیب‌دیده

مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور با اشاره به محورهای مورد بررسی در نشست هم‌اندیشی هفته زن اظهار کرد: یکی از موضوعات مورد توجه ما، حفاظت از محیط زیست و مدیریت پایدار انرژی است که از مسائل مهم کشور در سال جاری به شمار می‌رود. امیدواریم با همکاری یکدیگر بتوانیم در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنیم و سالی داشته باشیم که در آن با قطعی گاز و برق مواجه نشویم؛ چراکه این موضوع ضرورت بسیار زیادی دارد.

وی افزود: موضوع دیگر، نقش زنان در احیا و بازسازی مناطق آسیب‌دیده است که پیش‌تر نیز به آن اشاره شده است. همچنین آموزش و پیشگیری از بازماندگی از تحصیل در شرایط بحرانی، حمایت از خانواده‌ها و کودکان از دیگر موضوعات اساسی است که در دستور کار قرار دارد.

داداندیش با اشاره به برنامه دیگر هفته زن گفت: رونمایی از ساختار امور زنان و خانواده در شهرداری‌ها و اعطای احکام نیز از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی‌شده است.

لزوم گزارش‌دهی درباره تغییر وضعیت زنان در استان‌ها

وی با تأکید بر ضرورت ارزیابی نتایج برنامه‌های هفته زن اظهار کرد: ما با مدیران خود در استان‌ها به توافق رسیده‌ایم که اگرچه برگزاری مراسم و گردهمایی‌ها بسیار خوب است و امیدواریم افراد بیشتری در این برنامه‌ها شرکت کنند و نشاط حاصل از آن به جامعه منتقل شود، اما وظیفه داریم میزان تغییراتی را که امسال در فرصت‌های زنان در استان‌ها ایجاد شده است نیز گزارش کنیم.

مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور ادامه داد: دوستان ما باید درباره بهبود فرصت‌های زنان، به‌ویژه در زمینه مشارکت اجتماعی، اشتغال و امنیت آنان در استان‌ها گزارش ارائه کنند و امیدواریم این اتفاق محقق شود.

استفاده از ظرفیت ۳۰ هزار شورای پیشرفت محله در برنامه‌های هفته زن

داداندیش با اشاره به ظرفیت شوراهای پیشرفت محله در کشور گفت: ظرفیت دیگری که در اختیار داریم، نزدیک به ۳۰ هزار شورای پیشرفت محله در کشور است. قرار است در راستای دستور رئیس‌جمهور، از این ظرفیت استفاده کنیم.

وی افزود: به نظر من، اگر محتوای برنامه‌های هفته زن که اعلام شده است به این محلات منتقل و برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود، شوراهای پیشرفت محله می‌توانند در طول این هفته اقدامات مؤثری در این زمینه انجام دهند.

مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور با اشاره به پیشرو بودن برخی استان‌ها در این زمینه اظهار کرد: بعضی از استان‌های ما در این حوزه بسیار پیشرو هستند و خواهش می‌کنم با هماهنگی یکدیگر کاری کنیم که این اتفاق از محلات همین استان‌ها آغاز شود و برنامه‌ها از سطح محلات نیز شکل بگیرد.

داداندیش با قدردانی از همکاران و برگزارکنندگان جلسات هماهنگی برنامه‌های هفته زن اظهار کرد: خوشبختانه مدیران کل امور زنان و خانواده استانداری‌ها معمولا برنامه‌هایی دارند که با توجه به شرایط موجود، می‌تواند به‌خوبی اجرا شود و در بهبود حال خانواده‌های ایرانی و زنان مؤثر باشد.

وی افزود: حدود یک سال است که سلسله نشست‌های هم‌اندیشی با مدیران امور زنان و خانواده، مشاوران دستگاه‌های اجرایی، فرمانداران، بخشداران و شهرداران زن برگزار می‌کنیم تا بتوانیم ادبیات مشترکی در حوزه فعالیت‌های زنان داشته باشیم، مسائل مهم این حوزه را با یکدیگر بررسی کنیم و به این جمع‌بندی برسیم که چه اقداماتی باید انجام دهیم تا در سطح کشور اقدامات شایسته‌ای صورت گیرد.

معرفی زنان موفق در عرصه‌های مختلف از محورهای برنامه‌های هفته زن است

در ادامه علیرضا معاف معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از تدوین محتوای برنامه‌های هفته بزرگداشت مقام زن و خانواده خبر داد و گفت: معرفی زنان موفق در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی، بررسی جایگاه خانواده و گفت‌وگو درباره آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان از محورهای این برنامه‌هاست.

وی اظهار کرد: برای برنامه‌های این هفته حدود ۴۰ صفحه محتوای آموزشی و فرهنگی تهیه شده که هفت تا هشت صفحه آن به مباحث قرآنی و روایی درباره جایگاه زنان اختصاص دارد.

وی افزود: در تدوین این محتوا از دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی، شهید مرتضی مطهری و همچنین سخنان امام خمینی (ره) درباره جایگاه زنان استفاده شده است.

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به ضرورت معرفی زنان موفق گفت: نباید برنامه‌های هفته زن تنها به بیان مفاهیم کلی محدود شود، بلکه لازم است زنان تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف معرفی و زمینه‌ها و دلایل موفقیت آنان نیز بررسی شود.

معاف از پروین اعتصامی، زهرا حسینی راوی کتاب «دا»، شهناز حاجی‌شاه، مریم میرزاخانی، مرضیه جعفری، مرضیه دباغ، طوبی کرمانی و شهیر زهرا حداد عادل به‌عنوان برخی از چهره‌هایی نام برد که می‌توان در برنامه‌های هفته زن به زندگی و فعالیت‌های آنان پرداخت.

وی با اشاره به موفقیت زنان در عرصه‌های ورزشی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افزود: دستاوردهای زنان پس از انقلاب اسلامی و نقش آنان در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور باید به‌صورت مستند بررسی و معرفی شود.

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی همچنین تبیین «الگوی سوم زن» را از دیگر محورهای برنامه‌های هفته زن عنوان کرد و گفت: این الگو بر حضور اجتماعی و مشارکت زنان در مسئولیت‌های مختلف در کنار توجه به جایگاه خانواده تأکید دارد.

وی ادامه داد: در این چارچوب، دو رویکرد متفاوت درباره جایگاه زنان مورد نقد قرار می‌گیرد؛ رویکردی که به گفته وی محدودیتی برای رفتار اجتماعی زنان قائل نیست و رویکرد دیگری که اشتغال و حضور اجتماعی آنان را به رسمیت نمی‌شناسد.

معاف با اشاره به حضور زنان در مسئولیت‌های مدیریتی کشور اظهار کرد: تجربه فعالیت زنان در جایگاه‌هایی همچون وزارت، معاونت رئیس‌جمهور، معاونت وزارتخانه‌ها و مدیریت‌های اجرایی از موضوعاتی است که باید در بررسی نقش اجتماعی زنان مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت گفت‌وگو درباره آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان

وی با اشاره به حوادث سال ۱۴۰۱ و طرح موضوع «زن، زندگی، آزادی» گفت: نباید از بررسی این موضوع عبور کرد و لازم است درباره جایگاه زنان، خانواده و آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی آنان گفت‌وگو شود.

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی افزود: در برنامه‌های هفته زن تلاش می‌شود موضوع آزادی زنان و نسبت آن با نهاد خانواده از دیدگاه‌های مختلف بررسی شود.

معاف تأکید کرد: آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان از مسائل مهم جامعه است و نباید از گفت‌وگو درباره آن پرهیز کرد. این موضوع در دولت‌های مختلف نیز مورد توجه بوده و لازم است ابعاد آن بررسی شود.

وی همچنین نقش زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور را از دیگر محورهای برنامه‌های هفته زن برشمرد و گفت: حضور زنان در جریان انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و تحولات اخیر کشور از جمله موضوعاتی است که در محتوای برنامه‌ها بررسی خواهد شد.

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به حضور زنان در تجمعات اجتماعی اخیر اظهار کرد: زنان و خانواده‌ها در تجمعات شبانه شهرهای مختلف کشور حضور قابل توجهی داشته‌اند و نقش آنان در شکل‌گیری و استمرار این تجمعات نیازمند بررسی و تحلیل اجتماعی است.

نهضت زنانه؛ جلوه‌ای تازه از نقش‌آفرینی زنان در حفظ انقلاب اسلامی

معاف با اشاره به حضور گسترده زنان در تجمعات شبانه و میدان‌های کشور گفت: نهضت زنانه شکوهمند و بی‌نظیری است که امروز در کشور شاهد آن هستیم. ممکن است برخی این تعبیر را اغراق‌آمیز بدانند، اما من اصرار دارم از همین تعبیر استفاده کنم.

وی ادامه داد: این نهضت بزرگ اجتماعی پس از اسفندماه و در پی شهادت خانوادگی امام شهید شکل گرفت. این بعثت مردمی جلوه‌های متعددی دارد؛ یک جلوه آن خیابان، جلوه دیگر آن خون‌خواهی و یکی از جلوه‌های مهم آن، نهضت و قیام زنان است.

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به شکل‌گیری نوعی هویت جدید در نقش‌آفرینی زنان اظهار کرد: این بعثت زنانه که به هجرت زنانه نیز منجر می‌شود، ما را با یک معنای تاریخی و هویتی جدید مواجه کرده است، نقش‌آفرینی بانوان و زنان ما در حفظ انقلاب اسلامی معنای جدیدی پیدا کرده و نمی‌توان با غفلت از کنار این نقش عبور کرد و نباید نیز چنین اتفاقی بیفتد.

وی گفت: نقش زنان در موضوع جمعیت و خانواده، حل مسائل اجتماعی، پیشرفت کشور و ایجاد نشاط اجتماعی نیز از دیگر محورهای محتوایی برنامه‌های هفته بزرگداشت مقام زن و خانواده خواهد بود.

اخبار حوزه زنان

رویداد «ایران بانو» با هدف معرفی جهانی الگوی زن مسلمان ایرانی برگزار می‌شود



رئیس سازمان بسیج جامعه زنان از برگزاری رویداد ملی «ایران بانو» به مناسبت هفته زن و سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) خبر داد و گفت: این رویداد با شعار «بانوی ایرانی، پیشران تحول، معمار تمدن» و با هدف تبیین ابعاد مختلف شخصیت حضرت زهرا (س)، معرفی الگوی سوم زن در سطح ملی و بین‌المللی، تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه زنان و تقویت مشارکت بانوان در حل مسائل جامعه برگزار می‌شود.

رویا حیدرزاده در دومین جلسه هماهنگی برنامه‌های بزرگداشت روز زن و مقام مادر، با اشاره به آغاز هفته بسیج از روز گذشته (۲۹ آبان ماه) اظهار کرد: امیدواریم این هفته بتواند دستاوردهای انقلاب اسلامی را که با مشارکت بسیج محقق شده است، منعکس کند. بسیج از مردم، با مردم و برای مردم در همه عرصه‌ها فعالیت کرده و امیدواریم این هفته برای همگان پربرکت باشد.

وی افزود: هر ایرانی بسیجی است؛ هر کسی که دل در گرو ایران عزیز دارد، برای استقلال و آزادی آن می‌تپد و در این مسیر نقشی بر عهده می‌گیرد. بسیج یک مکتب و یک فرهنگ است و امیدواریم با فرهنگ و مکتب بسیج، در حفظ و نگهداشت ارزش‌های انقلاب اسلامی موفق باشیم.

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان با اشاره به بنیان‌گذاری بسیج از سوی امام خمینی (ره) ادامه داد: بنیان‌گذار این شجره طیبه، امام راحل و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی بودند و امام شهید نیز با تدابیر و رهنمودهای خود این درخت را پربار کردند. امیدواریم با رهنمودهای رهبری جدید، بسیج را حفظ کنیم و برای انقلاب بیمه کرده و آن را نگه داریم.

حیدرزاده با تبریک پیشاپیش هفته زن و ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) به بانوان و مادران ایران‌زمین گفت: این ایام فرصت خوبی برای بازنمایی جایگاه زن مسلمان ایرانی است تا بتوانیم این الگو را به دنیا معرفی کنیم.

وی با اشاره به تحولات پس از جنگ رمضان اظهار کرد: پس از جنگ رمضان اتفاق ویژه‌ای در دنیا رقم خورد و آن، تصویری بود که از زن ایرانی به جهان مخابره شد. برخلاف تمام سیاهی‌هایی که طی ۴۷ سال گذشته درباره زن ایرانی به دنیا ارائه کرده بودند، جنگ رمضان و پس از آن، با بعثت مردم و به‌ویژه زنان، تصویر متفاوتی از زن متعالی به جهان مخابره کرد.

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان افزود: این موضوع قابل توجه است و ایام ولادت حضرت صدیقه طاهره (س) فرصت مناسبی است تا این تصویر را نه‌تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی معرفی کنیم. ما باید الگوی سوم زن را جهانی‌سازی کنیم و حضرت فاطمه زهرا (س) را به‌عنوان الگوی زنان جهان معرفی کنیم.

حیدرزاده با تأکید بر ضرورت توجه به ابعاد بین‌المللی برنامه‌های هفته زن گفت: بنابراین باید در همه برنامه‌ها عمق استراتژیک ایجاد کنیم و به موضوع دیپلماسی در فضای بین‌المللی و فرهنگی نیز توجه داشته باشیم و این الگو را به دنیا معرفی کنیم.

وی با اشاره به برنامه ویژه سازمان بسیج جامعه زنان برای هفته زن اظهار کرد: برای برنامه‌های این هفته، ویژه‌برنامه‌ای با عنوان رویداد «ایران بانو» در نظر گرفته‌ایم که تلاش می‌کند به همه اهدافی که به آن‌ها اشاره شد، بپردازد. این رویداد یک بسته برنامه‌ای است که از پیش‌رویدادها و برنامه‌های هفته تشکیل شده و هدف آن بزرگداشت میلاد حضرت زهرا (س)، مقام زن و هفته زن است.

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان ادامه داد: در این رویداد، ابعاد مختلف شخصیت حضرت زهرا (س) تبیین، معرفی و معاصرسازی می‌شود؛ از جمله ابعاد علمی، خانوادگی و اجتماعی شخصیت ایشان که باید به بخش اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

وی افزود: تبیین نگاه حکیمانه و متعالی امام به جایگاه زن و مرد، بررسی جایگاه زنان در انقلاب اسلامی به‌عنوان یک گفتمان فرصت‌ساز، تکریم نقش محوری مادر در انسان‌سازی و تربیت در کنار نقش خانه‌داری، همسری و نقش‌آفرینی مؤثر اجتماعی زنان، از دیگر محورهای این رویداد است.

حیدرزاده با تأکید بر ضرورت معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه زنان گفت: تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در رشد و تعالی همه‌جانبه بانوان و نقش بی‌بدیل زنان در پیشرفت همه‌جانبه انقلاب اسلامی از جمله موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین تبیین فلسفه، ابعاد و نقش محوری بانوان در بعثت امت از دیگر موضوعاتی است که در این رویداد به آن پرداخته می‌شود.

وی با اشاره به شعار محوری رویداد «ایران بانو» اظهار کرد: شعار محوری این رویداد «بانوی ایرانی، پیشران تحول، معمار تمدن» است و برنامه‌های آن در چهار محور دنبال می‌شود.

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان نخستین محور این رویداد را تولید محتوای علمی، فرهنگی و چندرسانه‌ای عنوان کرد و افزود: بخش تولیدات علمی و رسانه‌ای این رویداد به‌صورت مفصل دنبال خواهد شد.

حیدرزاده با اشاره به برگزاری مراسم بزرگداشت در قالب رویداد «ایران بانو» گفت: در این مراسم، تجلیل از زنان، معرفی و روایت زن ایرانی به‌صورت ویژه انجام خواهد شد.

وی با اشاره به یکی از برنامه‌های ویژه این مراسم اظهار کرد: در این برنامه، موضوع «قرار هر ایرانی؛ برای هر بانوی ایرانی؛ برای ایران» به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. این برنامه بر مشارکت بانوان برای حل دست‌کم یک مسئله تأکید دارد و بر این اساس، هر بانو یک نقش و هر محله یک امید خواهد داشت.

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان در پایان، مشارکت جمعی بانوان، خدمت‌رسانی و سلامت را از دیگر محورهای رویداد «ایران بانو» برشمرد و گفت: این محورها در برنامه‌های مختلف رویداد دنبال خواهند شد و امیدواریم بتوانیم به‌صورت مفصل درباره آن‌ها اطلاع‌رسانی کنیم.

مزایای مرخصی زایمان بدون نیاز به شکایت در دیوان عدالت اداری پرداخت می‌شود



بهره‌مندی از حقوق و مزایای مرخصی زایمان با پیگیری‌های دیوان عدالت اداری و اصلاح رویه اجرایی پرداخت حقوق و مزایای این نوع مرخصی، نیاز به طرح شکایت ندارد.

با توجه به گستردگی جامعه مشمولان و ضرورت جلوگیری از تشکیل پرونده‌های غیرضروری، علاوه بر رسیدگی به شکایات مردم، پیگیری مشکلاتی را که زمینه‌ساز طرح دعوا در دیوان می‌شوند، در دستور کار قرار داده است. در همین راستا، موضوع پرداخت حقوق و مزایای کامل مرخصی زایمان و تأمین منابع مالی آن با پیگیری دیوان و همکاری دستگاه‌های مسئول، از جمله سازمان برنامه و بودجه، دنبال شد و در این زمینه کارگروه سه‌جانبه‌ای برای بررسی و رفع موانع تشکیل شد.

در ادامه این پیگیری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی دستور اداری اجرای بند «الف» ماده (۱۷) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را صادر و به واحدهای اجرایی خود ابلاغ کرد.

بر اساس این دستور، حقوق و مزایای کامل دوران مرخصی زایمان برای زایمان‌های یک‌قلو به مدت ۹ ماه و برای زایمان‌های دوقلو و بیشتر به مدت یک سال پرداخت می‌شود.

دیوان عدالت اداری با رویکرد صیانت از حقوق مردم و حاکمیت قانون، از تمامی ظرفیت‌های قانونی و نظارتی خود برای پیگیری اجرای صحیح قوانین، رفع موانع اداری و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان استفاده می‌کند. هدف این رویکرد آن است که مشکلات مردم پیش از تبدیل شدن به پرونده قضایی و از طریق اصلاح عملکرد دستگاه‌های اجرایی برطرف شود؛ چراکه رسالت دیوان تنها رسیدگی به شکایات نیست، بلکه تلاش برای احقاق حقوق مردم به‌گونه‌ای است که شهروندان برای دستیابی به حقوق قانونی خود اساساً نیازی به طرح شکایت در دیوان عدالت اداری نداشته باشند.

پیش از این سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد: از سال ۱۴۰۰ تا پایان شهریور ۱۴۰۵، حدود ۲۳۵ هزار زن بیمه شده از مرخصی ۹ ماهه زایمان استفاده کرده‌اند؛ هزینه اجرای این حکم از زمان اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تا پایان امسال نیز ۱۶۶ هزار و ۷۶۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

حضور بانوان در جایگاه‌های تصمیم‌ساز، ضرورتی برای توسعه متوازن هرمزگان است

مدیرکل امور بانوان وخانواده استانداری هرمزگان، حضور بانوان در جایگاه‌های اثرگذار و تصمیم‌ساز را مطالبه‌ای بحق و ضرورتی برای توسعه متوازن استان دانست و گفت: هرمزگان بر اساس ارزیابی وزارت کشور، در انتصاب بانوان در جایگاه‌های مدیریتی و مدیرکلی میان استانداری‌های کشور رتبه نخست را کسب کرده است.

محدثه درویشی در نشست با مشاوران امور بانوان دستگاه‌های فرهنگی و کارکنان زن اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، با اشاره به کسب رتبه نخست هرمزگان در انتصاب مدیران زن و مدیران کل زن بر اساس ارزیابی وزارت کشور، اظهار کرد: این دستاورد حاصل باور به توانمندی بانوان و رویکرد شایسته‌سالارانه محمد آشوری تازیانی، استاندار هرمزگان، در ایجاد فرصت‌های واقعی برای حضور زنان در سطوح مختلف مدیریتی است.

وی با تاکید بر اینکه حضور بانوان در جایگاه‌های تصمیم‌ساز باید به یک ضرورت در مسیر توسعه متوازن استان تبدیل شود، بیان کرد: استاندار هرمزگان بر شایسته‌سالاری، کارآمدی و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های نیروی انسانی استان تأکید دارد و در همین راستا با همکاری دفتر امور بانوان و خانواده استانداری، کمیته سرمایه‌های انسانی و دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت کشور، شناسایی و ارزیابی بانوان توانمند و واجد شرایط مدیریتی در دستور کار قرار گرفت و زمینه بهره‌گیری از ظرفیت آنان در مسئولیت‌های مختلف فراهم شد.

درویشی تصریح کرد: استاندار هرمزگان با این رویکرد نشان داده که باور به توانمندی زنان باید در تصمیمات مدیریتی و فرصت‌های واقعی مسئولیت‌پذیری متجلی شود و کسب رتبه نخست کشور در این حوزه نیز بیانگر نتیجه عملی این نگاه و اعتماد به سرمایه انسانی بانوان استان است.

مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری هرمزگان با اشاره به شکل‌گیری شورای راهبردی زن و خانواده در استان خاطرنشان کرد: نگاه‌مان به حوزه زنان، نگاهی نمایشی، مناسبتی یا ابزاری نیست؛ زنان هرمزگان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی ظرفیت‌های ارزشمندی دارند که باید فرصت بروز و ظهور پیدا کنند.

وی با تجلیل از نقش‌آفرینی زنان هرمزگانی در بحران‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی افزود: بانوان استان در میدان‌های دشوار خدمت، مسئولیت‌پذیری و توانمندی خود را به اثبات رسانده‌اند و حضور موثر آنان در عرصه‌های مختلف باید در ساختارهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نیز بازتاب بیشتری داشته باشد.

حضور بانوان در جایگاه‌های تصمیم‌ساز، ضرورتی برای توسعه متوازن هرمزگان است

درویشی در ادامه با تشریح ویژه‌برنامه‌های استان در آستانه هفته زن از برگزاری نشست‌های تخصصی با بانوان تاثیرگذار، دیدار بانوان منتخب با استاندار هرمزگان و تجلیل از زنان فعال در خط مقدم بحران‌ها خبر داد و گفت: تجلیل از پزشکان، خبرنگاران، امدادگران، پرستاران و بانوان فعال در حوزه‌های صنعتی، اجتماعی و فرهنگی که در شرایط دشوار نقش‌آفرینی کرده‌اند، از محورهای اصلی برنامه‌های هفته زن امسال است.

مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری هرمزگان همچنین از اجرای برنامه‌هایی برای تجلیل از بانوان روایتگر بحران و برگزاری پویش‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح استان خبر داد و بر ضرورت معرفی الگوهای موفق زنان در عرصه‌های مختلف تاکید کرد. درویشی با تاکید بر ضرورت پیوند فعالیت‌های حوزه بانوان با برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی اظهار کرد: فرهنگ بستری است که جامعه در آن رشد و تنفس می‌کند؛ بنابراین برنامه‌های حوزه زنان باید با نگاهی عمیق، مسئله‌محور و مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه دنبال شود تا دستاورد این اقدامات، علاوه بر ارتقای جایگاه بانوان، به تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی و گره‌گشایی از مسائل استان منجر شود.

آیدا پناهنده: دیگر سریال نمی‌سازم! /ساترا نمایش خانگی را با شبکه دو اشتباه گرفته!

آیدا پناهنده که با ساخت آثاری چون «ناهید» تا «در انتهای شب» نشان داده دغدغه دارد و جز سینما و قصه به چیز دیگری فکر نمی‌کند، این روزها سریال «سرخ و سیاه» را در شبکه نمایش خانگی دارد که از همان ابتدا دچار مشکل شده و سرانجام حجم میزی‌های اعلام شده توسط ساترا، اجازه نداد تا قسمت ششم آن منتشر شود.



برای گفت‌وگو با این کارگردان درباره دلایل پخش نشدن سریالش تماس گرفتیم که پناهنده در همان بدو امر، در پاسخ به این پرسش که حالتان چطور است؟ پاسخ داد: «خیلی بد! واقعا در طول این ۲۰ سالی که در این حرفه بوده‌ام، هیچ‌وقت به این بدی نبوده‌ام؛ دل‌زده، خسته و فرسوده شده‌ام.»

آیدا پناهنده درباره دلایل این اتفاق توضیح داد: «فکر می‌کنم الان حساسیت‌های سلیقه‌ای و بیش از اندازه بخشی از اعضای ساترا باعث شده کل سریال «سرخ و سیاه» تکه‌پاره شود و اگر به همین صورت پیش برود، اثر نابود خواهد شد. همین من را افسرده کرده. یعنی من نگران کلیت اثرم. سه سال یک گروه ۳۰۰ نفره برای این اثر زحمت کشیده و حالا گروهی دارند به بهانه مراقبت از حق مردم و عرف، این اثر را به باد می‌دهند. یک روز اصلاحیه برای حذف چندین مورد می‌آید، دو روز می‌گذرد یک‌نفر دیگر دستور می‌دهد سکانس مهمی را که بیست‌نفر ممیز قبلی مشکلی با آن نداشته‌اند حذف شود. بالاخره ممیزی هم اگر می‌خواهند انجام شود یک چارچوبی نباید وجود داشته باشد؟ یعنی هر روز هر کسی خواست بنا سلیقه‌اش خودش و بدون در نظر گرفتن ساختار و داستان و محتوای کار، هر چیزی را حذف کند؟ حتی سکانسی را که پخش شده، در بازپخش همان سکانس در قسمتی دیگر، می‌گویند حذف کنید. چرا؟

این کارگردان سینما و تلویزیون سپس با این پرسش مواجه شد که «با توجه به تجاربی که در حوزه فیلم و سریال داشته‌اید، به نظر می‌رسد پیشتر هم با این رویه ممیزی مواجه بوده‌اید، فکر می‌کنید چه چیزی در حال حاضر تغییر کرده است؟» که پاسخ داد: به نظر من خیلی فرق کرده. به آقایان هم گفتم که اگر همین گروه، قبلا بر سر کار بودند، «در انتهای شب» پخش نمی‌شد یا به شدت در ممیزی تکه‌وپاره می‌شد و از بین می‌رفت. من برای تلویزیون تله‌فیلم ساختم، کار حرفه‌ای‌ام را از تلویزیون شروع کردم ولی الان احساس می‌کنم آقایان اصلا صنعت سریال‌سازی در نمایش خانگی ایران را با تلویزیون اشتباه گرفته‌اند. مخاطبان را باهمین رویه‌ی اشتباه از تلویزیون فراری داده‌اند. رسانه‌ی خانگی شبکه یک و دو و سه نیست! برخی مدیران را از تلویزیون آورده‌اید ساترا و دارند همان سلیقه‌ای که مردم را از تلویزیون زده کرد، اینجا اعمال می‌کنند. چرا متوجه نیستید که مدیوم‌ها با هم فرق دارد، رسانه‌ها با هم یکی نیستند. مردم از همین شبکه‌هایی که خودشان را در آن نمی‌بینند، خسته شده‌اند. واقعاً چه زمانی می‌خواهید متوجه این خستگی بشوید؟ مردم دنبال هوای تازه، قصه تازه هستند. دنبال جایی هستند که یک ساعت حالشان را خوب کند. سرگرمشان کند. این را هم نمی‌خواهید بگذارید؟ شما اگر بلد بودید همان رسانه‌هایی را که مدیر و کارشناسش بودید، الان مخاطب داشت!

کارگردان سریال‌های «در انتهای شب» و «سرخ و سیاه» در ادامه سخنانش با طرح این پرسش‌ها که «مگر ما در سریال‌هایمان چی گفتیم؟ مگر ما داریم چی نشان می‌دهیم؟»، تصریح کرد: در سریالی یک مادری، بچه‌اش را بغل می‌کند؛ خانمی ۷۵ ساله که صحنه بعدش پسرش کشته می‌شود... این کجایش بد است؟ این کجایش خلاف عرف است؟ مگر رابطه مادر و فرزندی مقدس‌ترین رابطه جهان نیست؟

آینده پناهنده در ادامه سخنانش خاطرنشان کرد: «ممکن است آقایان از جایی که هیچ ربطی به فرهنگ و فضای سریال و سینما نداشته باشد، تحت فشار باشند. خب چرا تسلیم این فشارها می‌شوند؟ نقش آنها چیست؟ نمی‌شود هرکس از هر جایی می‌رسد برای تلویزیون و تئاتر و سینمای ما تصمیم بگیرد. بجنگید ... آن هم برای ما مردمی که این همه اتفاقات بد را از سر گذرانده‌ایم؛ دو جنگ را پشت سر گذاشتیم. خب یک ذره اجازه دهید مردم نفس بکشند. اصلا اینکه مادری بچه‌اش را بغل کند، چرا باید اینقدر بزرگ شود؟ آیا شما بچه‌هایتان را بغل نمی‌کنید؟! همین چند روز گذشته دختری توسط پدرش کشته شده، حال همه را خراب کرد. چه اشکالی دارد آغوش محبت‌آمیز دختر و پدری را در رسانه‌های رسمی نشان دهید. حس خوب به خانواده‌ها بدهید. چه ایرادی دارد اجازه بدهید رابطه والدین با فرزندان به شکل طبیعی واقعی و به زیبایی نمایش داده شود؟

او درباره صحنه‌هایی که در سریالش دچار ممیزی شده است، توضیح داد: همه کار آقایان این شده که چک کنند دست بازیگر به کجا خورده است. شخصیت‌های داستان در صحنه‌ای دارند دعوا می‌کنند، می‌گویند دستش خورد، دستش نخورد؟! دعوا است! جنازه را از چاه بیرون می‌کشند؛ آن هم با آن همه چادر و پوشش، می‌گویند مسئله دارد. همه‌اش را حذف کنید. جالب اینکه این پلان یک‌بار هفته قبلش پخش شده است. یک ذره خودتان را کنترل کنید، آرام باشید... چرا از همه چیز یک بحران فرهنگی می‌سازید؟ البته در همین ساترا و شوراهای ممیزی هم هستند اندک کسانی که کارشناس هستند و دغدغه مردم را دارند و نگاهشان متعادل‌تر است. اما تعدادشان کم است و زورشان نمی‌رسد!»

آیدا پناهنده با انتقاد از عملکرد صداوسیما در برخورد با پروژه های شبکه نمایش خانگی اظهار کرد: «از همه بدتر تلویزیون دو آقایی را آورده که به همکاران ما توهین می‌کنند، می‌گویند «چیزهایی که پشت دوربین‌هایتان اتفاق می‌افتد جلوی دوربین نیاورید» شما چه حقی دارید که به همکاران سینمایی ما اینطور توهین کنید. چطور به خودتان اجازه می‌دهید به همکاران ما توهین کنید؟ البته که صدای ما شنیده نمی‌شود. توبیخ هم نمی‌شوند. با افتخار توهین می‌کنند. آن هم به کسانی که در سرما در گرما، در این هوای آلوده، صبح تا شب ـ سخت ـ کار می‌کنند. بعد، مگر ما پشت دوربین چه می‌کنیم که اینطور حرف می‌زنید و توهین می‌کنید؟ آقای محترم من حاضرم دست شما را بگیرم و ببرم پشت‌صحنه هر پروژه‌ای که خواست، تا ببینید عوامل سینما با چه حقوقی و چه وجدان کاری‌ای کار می‌کنند. همین‌هاست که آدم را دل‌زده می‌کند ... به حدی که الان اصلا نمی‌خواهم هیچ کاری کنم! می‌خواهم خانه‌ام بنشینم کار نکنم تا حداقل به من و همکارانم بی‌احترامی نشود.

خدمات توانبخشی نوزادان نارس زیر پوشش بیمه‌ها قرار گیرد

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات اعصاب اطفال دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی با تأکید بر اهمیت مداخلات توانبخشی زودهنگام برای نوزادان نارس، خواستار گنجاندن خدمات استاندارد کاردرمانی و توانبخشی در بسته بیمه‌های پایه و تکمیلی شد و هشدار داد: تأخیر در ارائه این خدمات، فرصت‌های حساس رشد مغز را از بین می‌برد و هزینه‌های سنگینی به خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند.



آیدا راوریان با اشاره به اینکه نوزادان نارس به دلیل تولد پیش از موعد و ناتمام ماندن فرایندهای رشد، در معرض خطر اختلالات عصبی، حرکتی، شناختی و حسی قرار دارند، گفت: با توجه به افزایش میزان بقای این نوزادان به واسطه پیشرفت‌های پزشکی، چالش اصلی امروز، تضمین کیفیت زندگی و سلامت تکاملی آنان است.

وی با تأکید بر ضرورت توجه به حفاظت عصبی و مراقبت‌های تکاملی در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان (NICU) اظهار کرد: نجات جان نوزاد پایان مسئولیت متخصصان نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای حساس برای حفاظت از مغز و آینده اوست.

این عضو هیات علمی افزود: تنظیم محیط حسی، مدیریت وضعیت‌دهی نوزاد، حمایت از خواب، کاهش استرس و تسهیل تعامل میان والدین و نوزاد از جمله مداخلات مهمی هستند که در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان، نقش مؤثری در حمایت از فرایندهای طبیعی تکامل مغز دارند.

راوریان با اشاره به انعطاف‌پذیری مغز و فرایندهای گسترده سیناپوژنز یا ایجاد پیوندهای عصبی در سال‌های نخست زندگی تأکید کرد: مداخلات هدفمند توانبخشی و کاردرمانی به‌هنگام می‌توانند با ارتقای عملکرد کودک و افزایش مشارکت او در فعالیت‌های متناسب با سن، پیامدهای منفی اختلالات تکاملی را به میزان قابل توجهی کاهش دهند

وی در ادامه نسبت به پیامدهای تأخیر در ارائه خدمات توانبخشی هشدار داد و گفت: چرا باید منتظر بمانیم تا مشکلات تکاملی تثبیت شوند و بار سنگین جسمی، روانی و اقتصادی بر خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل شود؟

این عضو هیات علمی تصریح کرد: به تعویق انداختن خدمات توانبخشی، علاوه بر از دست رفتن فرصت‌های حساس رشد مغز، هزینه‌های سنگینی در آینده به جامعه تحمیل می‌کند؛ در حالی که با سرمایه‌گذاری در حوزه پیشگیری، غربالگری و مداخلات زودهنگام می‌توان این هزینه‌ها را کاهش داد. راوریان یکی از مهم‌ترین مطالبات حوزه سلامت کودک را گنجاندن خدمات استاندارد کاردرمانی و سایر مداخلات توانبخشی زودهنگام در بسته خدمات بیمه‌های پایه و تکمیلی دانست و گفت: دسترسی به فرصت‌های رشد و تکامل نباید به توان مالی خانواده‌ها وابسته باشد؛ چراکه برخورداری از حق رشد، حق هر کودک است. وی با تأکید بر اهمیت سرمایه‌گذاری در مراقبت‌های تکاملی و توانبخشی زودهنگام خاطرنشان کرد: این اقدامات تنها مداخله‌ای درمانی نیستند، بلکه سرمایه‌گذاری برای ارتقای سلامت نسل آینده و کاهش بار معلولیت در جامعه محسوب می‌شوند. امید است از مرحله «مراقبت برای بقا» به سوی «مراقبت برای زندگی باکیفیت» حرکت کنیم.

با بی‌حوصلگی کودک چه کنیم؟ چند راه ساده برای والدین

گزارش : ایرنا



«حوصله‌ام سر رفته» یکی از جمله‌های آشنای دوران کودکی است که گاهی والدین را به تکاپو می‌اندازد تا خیلی سریع سرگرمی تازه‌ای برای فرزندشان پیدا کنند. اما هر بار که کودک چنین حرفی می‌زند، لزوما به معنای نیاز به گوشی، تلویزیون یا برنامه‌ای جدید نیست.

بی‌حوصلگی بخشی طبیعی از زندگی کودکان است. کودک ممکن است بعد از تمام شدن تکالیف، برگشتن از مدرسه، در تعطیلات یا حتی وسط یک بعدازظهر معمولی احساس کند کاری برای انجام دادن ندارد. در چنین موقعیتی لازم نیست والدین فورا نقش سرگرم‌کننده را بر عهده بگیرند. می‌توان ابتدا از کودک پرسید "خودت دوست داری چه کار کنی؟" یا "اگر قرار باشد بدون تلویزیون و گوشی کاری انجام بدهی، چه چیزی به ذهنت می‌رسد؟"

این پرسش ساده به کودک پیام می‌دهد که قرار نیست همیشه فرد دیگری برای او برنامه‌ریزی کند. البته کودکان خردسال معمولا برای شروع بازی مستقل به کمک بیشتری نیاز دارند و نمی‌توان از یک کودک کم سن انتظار داشت ساعت‌ها خودش را سرگرم کند. بازی آزاد فرصتی است که کودک در آن می‌تواند انتخاب کند، محیط اطرافش را کشف کرده و ایده‌های خودش را دنبال کند.

لازم نیست برای هر دقیقه کودک برنامه داشته باشیم

گاهی والدین از سر دلسوزی روز کودک را با کلاس، بازی، برنامه آموزشی و سرگرمی پر می‌کنند. داشتن برنامه روزانه برای کودکان مفید است اما این برنامه نباید آنقدر فشرده باشد که جایی برای انتخاب و بازی آزاد باقی نماند.

برای نمونه اگر کودک بعد از مدرسه یک ساعت وقت آزاد دارد، لازم نیست والدین از قبل مشخص کنند که در این یک ساعت دقیقا چه کاری انجام دهد. می‌توان چند گزینه از جمله نقاشی، ساختن چیزی با لگو، خواندن کتاب، بازی با خواهر یا برادر، مرتب کردن وسایل شخصی یا حتی کمی استراحت در اختیار او گذاشت و اجازه داد خودش انتخاب کند. مهم این است که "وقت آزاد" با "رها کردن کودک اشتباه گرفته نشود. والدین باید محیط را برای سن کودک امن کنند و در صورت نیاز کمک بدهند.

اولین پاسخ، گوشی و تلویزیون نباشد

یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای پایان دادن به جمله "حوصله‌ام سر رفته" این است که گوشی یا تلویزیون را روشن کنیم. این کار ممکن است در کوتاه مدت کودک را سرگرم کند اما اگر به عادت همیشگی تبدیل شود، زمان زیادی از روز کودک با صفحه نمایش پر خواهد شد و فرصت فعالیت‌های دیگر کمتر می‌شود.

کارشناسان پیشنهاد می‌کنند خانواده‌ها برای استفاده از رسانه برنامه مشخصی داشته باشند و در کنار زمان صفحه نمایش، فعالیت‌هایی مانند بازی، مطالعه، فعالیت خانوادگی و حضور در فضای بیرون را نیز در برنامه قرار دهند. این توصیه برای والدین هم صدق می‌کند. قوانین وقتی جدی‌تر می‌شوند که بزرگ‌ترها نیز الگوی مناسبی برای کودک باشند.

بنابراین وقتی کودک می‌گوید "حوصله‌ام سر رفته"، می‌توان به جای تحویل دادن تلفن همراه گفت که "بیا ببینیم چه کاری می‌توانی انتخاب کنی." همین تغییر کوچک، کودک را از دریافت‌کننده منفعل سرگرمی به فردی تبدیل می‌کند که در انتخاب فعالیت خودش نقش دارد.

یک جعبه بی‌حوصلگی درست کنید

خانواده‌ها می‌توانند پیش از رسیدن لحظه بی‌حوصلگی، چند ایده ساده آماده کنند. لازم نیست این ایده‌ها هزینه‌ای داشته باشند. چند تکه کاغذ بردارید و روی هرکدام یک فعالیت بنویسید. مثلا "کشیدن نقاشی از خانه رویایی"، "ساختن یک برج با وسایل موجود در خانه"، "خواندن چند صفحه کتاب"، "مرتب کردن یک کشوی شخصی"، "درست کردن یک کاردستی"، "بازی فکری"، "کمک در آماده کردن یک میان وعده" یا "تماس با مادربزرگ و پدربزرگ". کاغذها را در یک جعبه بگذارید تا کودک هنگام بی‌حوصلگی یکی را انتخاب کند.

مزیت این روش آن است که والدین مجبور نیستند هر بار در همان لحظه به دنبال ایده بگردند و کودک هم به تدریج با گزینه‌های مختلف آشنا می‌شود.

سه انتخاب بهتر از فهرست بلندبالاست

اگر کودک هنوز نمی‌داند چه کاری انجام دهد، به جای اینکه ده‌ها پیشنهاد پشت سر هم مطرح کنیم، سه گزینه ساده ارائه دهیم. مثلا بگوییم که "می‌خواهی نقاشی کنی، پازل درست کنی یا با هم یک بازی فکری انجام بدهیم؟"

این روش برای کودکان کوچک‌تر قابل فهمتر است. از طرف دیگر والدین می‌توانند به مرور از میزان کمک خود کم کنند. هدف این نیست که مادر یا پدر همیشه در کنار کودک بماند و بازی را مدیریت کند، بلکه کودک به تدریج یاد بگیرد برای زمان آزاد خود انتخاب داشته باشد.

کارشناسان در توصیه‌های مربوط به بازی آزاد تاکید می‌کند که کودک می‌تواند بازی را بر اساس علاقه خودش انتخاب و هدایت کند و والدین بیشتر نقش فراهم‌کننده محیط مناسب و همراه را داشته باشند.

وسایل گران‌قیمت همیشه لازم نیست

گاهی برای سرگرم کردن کودک به سراغ اسباب بازی‌های گران یا وسایل الکترونیکی می‌رویم، در حالی که بسیاری از بازی‌ها با وسایل ساده خانه امکان‌پذیرند. جعبه مقوایی می‌تواند به خانه عروسک تبدیل شود، چند کاغذ و مداد می‌تواند شروع یک داستان تصویری باشد و چند لیوان پلاستیکی می‌تواند برای ساختن برج استفاده شود.

پیشنهاد می‌شود در مطالب مربوط به بازی کودکان،از وسایل ساده مانند مکعب‌ها، توپ، طناب و حتی جعبه‌های مقوایی برای بازی‌های خلاقانه استفاده شود. پس اگر کودک گفت "هیچ اسباب‌بازی‌ای ندارم"، می‌توان به جای خرید فوری وسیله جدید پرسید که "با چیزهایی که الان در خانه داریم چه چیزی می‌توانی بسازی؟"

وقتی کودک می‌گوید «حوصله‌ام سر رفته»، والدین چه کار کنند؟///با بی‌حوصلگی کودک چه کنیم؟ چند راه ساده برای والدین

گاهی "حوصله ندارم" فقط بی‌حوصلگی نیست

والدین نباید هر بار که کودک از بی‌حوصلگی حرف می‌زند، آن را صرفا یک درخواست برای سرگرمی بدانند. گاهی کودک خسته است، گرسنه است، خواب کافی نداشته، از اتفاقی در مدرسه ناراحت است یا فقط نیاز دارد مدتی کنار پدر و مادر باشد.

به همین دلیل بد نیست قبل از ارائه راه‌حل، کمی با کودک صحبت کنیم. مثلا بپرسیم که "امروز مدرسه چطور بود؟"، "چیزی ناراحتت کرده؟" یا "دلت می‌خواهد کمی با هم باشیم؟" منابع مربوط به ارتباط والد و کودک نیز توصیه می‌کنند والدین برای شنیدن احساسات و تجربه‌های روزانه فرزندشان فرصت ایجاد کنند.

اگر بی‌حوصلگی به شکل مداوم ادامه دارد یا همراه با تغییرات قابل توجه در رفتار، خواب، درس، ارتباط با دیگران یا علاقه کودک به فعالیت‌های معمولش است، بهتر است موضوع با دقت بیشتری بررسی شود و در صورت نیاز از متخصص کمک گرفته شود.

نقش والدین؛ همراهی، نه سرگرم‌کردن دائمی

یکی از مهمترین تغییرها در برخورد با بی‌حوصلگی کودک این است که والدین خودشان را مسئول سرگرم کردن دائمی او ندانند. کودک به محبت، توجه و همراهی نیاز دارد اما بخشی از رشد او نیز تجربه کردن انتخاب‌های خودش است.

برای مثال مادر می‌تواند در کنار کودک چند مداد و کاغذ بگذارد و بگوید که "من اینجا مشغول کار خودم هستم، تو هم می‌توانی نقاشی کنی. اگر چیزی لازم داشتی به من بگو." پدر می‌تواند هنگام مرتب کردن خانه از کودک بخواهد در یک کار ساده کمک کند. این فعالیت‌ها همزمان با ایجاد فرصت برای کودک، او را با کارهای روزمره خانواده نیز درگیر می‌کند.

از "حوصله‌ام سر رفته" نترسیم

بی‌حوصلگی قرار نیست همیشه با یک برنامه فوری، بازی جدید یا صفحه نمایش پایان پیدا کند. گاهی کافی است کودک چند دقیقه در فضای امن خانه بماند، فکر کند و خودش راهی برای گذراندن وقت پیدا کند. ممکن است ابتدا بگوید "نمی‌دانم چه کار کنم" اما بعد سراغ مدادهایش برود، یک بازی تازه بسازد، کتابی بردارد یا از خواهر و برادرش بخواهد با او بازی کنند.

هدف خانواده این نیست که کودک هیچ‌وقت حوصله‌اش سر نرود. مهمتر از آن، ایجاد فضایی است که کودک بداند در زمان‌های خالی هم می‌تواند انتخاب کند، چیزی را امتحان کند و اگر ایده اولش جواب نداد، سراغ گزینه دیگری برود. بازی آزاد و زمان بدون برنامه مشخص، در کنار برنامه روزانه، ارتباط خانوادگی و استفاده متعادل از رسانه، می‌تواند بخشی طبیعی از زندگی کودک باشد.

مشارکت اقتصادی ۳۵ درصدی زنان دانشگاهی/ ضرورت هدایت پایان‌نامه‌ها به حل مسائل زنان

گزارش : ایرنا



معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، با اشاره به سهم ۳۵ درصدی زنان دانشگاهی از مشارکت اقتصادی، بر ضرورت افزایش این سهم به ۵۰ درصد و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت علمی و تخصصی زنان تأکید کرد و خواستار هدایت پایان‌نامه‌های دانشگاهی به سمت شناسایی و حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی زنان با ارائه راهکارهای بومی شد.

زهرا بهروزآذر در نشست رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با مشاوران امور زنان و خانواده استان‌ها، با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت علمی و تخصصی زنان در توسعه کشور گفت: مشارکت اقتصادی زنان در کشور حدود ۱۴ درصد و این میزان در میان دانشگاهیان حدود ۳۵ درصد است که باید با برنامه‌ریزی و حمایت‌های هدفمند، مشارکت اقتصادی زنان دانشگاهی به حداقل ۵۰ درصد افزایش یابد.

بهروزآذر با قدردانی از بیژن رنجبر، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، به دلیل اصلاح ساختار حوزه زنان و ایجاد پست‌های سازمانی مشاور امور زنان و خانواده در دانشگاه اظهار کرد: این اقدام، پس از سال‌ها، گامی ماندگار و جدی برای توسعه ظرفیت‌های زنان در کشور است.

وی همچنین با گرامیداشت شهید محمد مهدی طهرانچی رئیس فقید دانشگاه آزاد اسلامی، از خاطرات و همکاری‌های خود با وی در شورای عالی انقلاب فرهنگی یاد کرد و با قدردانی از رویکرد و مواضع رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در موضوع ارتقای عدالت جنسیتی، بر آمادگی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری برای همراهی و حمایت از این مسیر تأکید کرد.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم در زمینه پیشرفت کشور بیان کرد: باور دولت بر این است که برای رسیدن به قله‌های پیشرفت ایران به دو بال زنان و مردان نیاز داریم و این دو باید دوشادوش یکدیگر حرکت کنند تا پروازی موفق شکل بگیرد. این نگاه صرفاً ایده دولت چهاردهم نیست، بلکه ریشه در تمدن ایرانی و فرهنگ اسلامی دارد

بهروزآذر با اشاره به اسناد تاریخی ایران باستان افزود: در الواح گلی تخت جمشید، اسنادی از حضور زنان در جایگاه سرپرستی مجموعه‌های بزرگ تولیدی، از جمله نساجی، وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که برخی از این زنان مسئولیت اداره و تأمین جیره غذایی حدود ۴۰۰ نفر را برعهده داشتند. در همین اسناد، توجه به وضعیت زنان باردار و مادران شیرده نیز دیده می‌شود و برای آنان جیره غذایی بیشتری در نظر گرفته شده است.

وی ادامه داد: این شواهد نشان می‌دهد در تمدن ایرانی، دوگانه‌ای میان حضور اجتماعی و اقتصادی زنان و نقش مادری آنان وجود نداشته است. زندگی به معنای مادری، فعالیت اجتماعی و مشارکت اقتصادی در کنار یکدیگر بوده است.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به الگوهای اسلامی زنان اظهار کرد: حضرت خدیجه (س) به‌عنوان نخستین کارآفرین جهان اسلام، سرمایه خود را در مسیر توسعه اسلام به کار گرفتند و حضرت فاطمه زهرا (س) نیز در کنار تعبد، ایمان و مسئولیت مادری، مدیریت باغ فدک را برعهده داشتند؛ بنابراین زن مسلمان، شخصیتی چندبعدی دارد و الگوی سوم زن ایرانی و مسلمان، موضوعی بیگانه یا تازه نیست، بلکه ریشه در پیشینه تمدنی و فرهنگی ما دارد.

بهروزآذر با تأکید بر نقش‌آفرینی زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، علمی و اقتصادی گفت: زنان در پیروزی انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و سال‌های سازندگی در عرصه‌های مختلف حضور مؤثر داشته‌اند و امروز نیز دانشمندان و متخصصان زن در حوزه علم و فناوری، محصولات دانش‌بنیانی تولید می‌کنند که در بخش‌های مختلف کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی با اشاره به نقش زنان در دوره‌های اخیر جنگ و بحران افزود: زنان در کنار مردان در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، بهداشت و درمان، بانکداری و فعالیت‌های اقتصادی حضور داشته‌اند. برای نمونه، در جریان حمله به برج مراقبت فرودگاه چابهار، مدیری که مسئولیت کنترل پرواز را برعهده داشت، یک زن بود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد زنان امروز در جایگاه‌های تشریفاتی قرار ندارند و موقعیت‌هایی که به دست آورده‌اند، حاصل شایستگی و سرمایه‌گذاری علمی و تخصصی آنان است.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه بیش از ۶۰ درصد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و بیش از ۵۰ درصد کرسی‌های دانشگاهی و علمی در اختیار آنان است، تصریح کرد: زنان با پشتوانه تمدنی و سرمایه علمی که طی سال‌ها به دست آورده‌اند، امروز نقش‌آفرینی مؤثری در جامعه دارند.

ضرورت تبدیل ظرفیت علمی زنان به مشارکت اقتصادی

بهروزآذر با اشاره به ظرفیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی اظهار کرد: این دانشگاه با ایده راهبردی توسعه دسترسی شهروندان به بالاترین سطوح علمی تأسیس شده و یکی از تجربه‌های موفق ملی و بین‌المللی در این زمینه است. دانشگاه آزاد با اتکا به ظرفیت‌های مردمی و مدل اقتصادی خود توانسته ضمن صیانت از توسعه علم، شبکه گسترده‌ای از سرمایه‌های انسانی را در کشور شکل دهد.

وی افزود: دانشگاه‌ها نباید صرفاً به انتقال دانش و آموزش محدود شوند، بلکه باید در مسیر تبدیل شدن به دانشگاه نسل سوم و چهارم حرکت کنند؛ دانشگاهی که دانش را به فناوری، فناوری را به ارزش اقتصادی و نیروی انسانی را به محرک توسعه تبدیل می‌کند. نقش مشاوران و فعالان حوزه زنان در این مسیر بسیار مهم است.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با طرح سه درخواست از مشاوران امور زنان و خانواده دانشگاه آزاد اسلامی، نخستین اولویت را توجه به زنان شاغل در مجموعه این دانشگاه دانست و گفت: باید مسائل صنفی، نیازهای مرتبط با ویژگی‌های زنانه و مادری و همچنین موضوعات مربوط به توسعه حرفه‌ای زنان مورد توجه قرار گیرد.

بهروزآذر ادامه داد: در دانشگاه با گروه‌های مختلفی از زنان از جمله دانشجویان، اعضای هیئت علمی و پژوهشگران مواجه هستیم که در حوزه‌های علمی، فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان فعالیت می‌کنند و باید زمینه افزایش تعداد و مشارکت اقتصادی آنان فراهم شود.

وی با اشاره به اینکه مشارکت اقتصادی زنان در کشور حدود ۱۴ درصد و در میان دانشگاهیان حدود ۳۵ درصد است، تأکید کرد: این میزان دست‌کم در میان دانشگاهیان باید به ۵۰ درصد برسد. افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند، چه از نظر فردی و چه از نظر سرمایه‌گذاری دولت، سرمایه‌های ارزشمند کشور هستند و اگر نتوانند وارد فرایندهای اقتصادی، مشارکت در حکمرانی و حل مسائل اجتماعی شوند، در واقع این سرمایه‌ها هدر می‌روند.

بهروزآذر از مشاوران امور زنان و خانواده خواست بانک اطلاعات زنان متخصص را در مجموعه‌های دانشگاهی ایجاد کنند و زمینه رشد و ارتقای حرفه‌ای آنان را فراهم آورند.

وی با تأکید بر ضرورت طراحی فرصت‌های مطالعاتی، برنامه‌های منتورینگ و کوچینگ برای زنان افزود: باید مسیرهای رشد حرفه‌ای و تخصصی زنان را تسهیل کنیم تا بتوانند ظرفیت‌های علمی خود را در عرصه‌های مختلف به کار بگیرند.

لزوم حمایت از زنان برای جمع میان مادری و فعالیت علمی

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به ضرورت توجه به شرایط مادری زنان بیان کرد: زنان در یک دوره طلایی از زندگی امکان مادری دارند و این دوره با دوران اشتغال و توسعه علمی آنان هم‌زمان است؛ بنابراین باید شرایطی فراهم شود که زنان مجبور نباشند میان مادری و خدمت علمی و حرفه‌ای خود یکی را انتخاب کنند.

وی با قدردانی از دانشگاه آزاد اسلامی برای فراهم کردن ظرفیت‌های شغلی منعطف برای زنان گفت: از رئیس دانشگاه و همکاران ایشان بابت فراهم کردن شرایطی مانند ساعت کاری شناور برای زنان دارای فرزند زیر ۶ سال قدردانی می‌کنیم. با این حال، لازم است مشاوران امور زنان و خانواده نیازهایی را که در ارتباط مستقیم با جامعه زنان شناسایی می‌کنند، مطرح کنند تا برای آنها راهکارهای مناسب طراحی شود و در صورت امکان، این تجربه‌ها در سطح ملی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

شناسایی ظرفیت‌های بومی استان‌ها برای ارتقای جایگاه زنان

بهروزآذر دومین درخواست خود از مشاوران امور زنان و خانواده را شناسایی ظرفیت‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی هر استان و منطقه عنوان کرد و گفت: مشاوران به واسطه شبکه گسترده علمی و ارتباطی خود می‌توانند کمک کنند تا ظرفیت‌های هر شهرستان و استان شناسایی شود و جایگاه زنان در این ظرفیت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

وی با اشاره به شناسایی حدود ۱۱ گروه از زنان در برنامه‌های این معاونت افزود: زنان خانه‌دار، زنان شاغل، زنان بازنشسته، دختران جوان، زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی، صاحبان کسب‌وکارهای خانگی، زنان کارآفرین، زنان بزه‌دیده، زنان دارای معلولیت و زنانی که فرزند دارای معلولیت دارند، هر کدام مسائل، نیازها و شرایط خاص خود را دارند و برای حمایت از آنها باید راهکارهای متناسب طراحی شود.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده ادامه داد: ظرفیت‌های مناطق مختلف کشور یکسان نیست؛ در یک منطقه ممکن است ظرفیت کشاورزی و توسعه صنایع غذایی وجود داشته باشد و در منطقه‌ای دیگر، صنایع خلاق، گردشگری و بوم‌گردی یا صنایع مرتبط با کارخانه‌های صنعتی ظرفیت اصلی اقتصادی را تشکیل دهند. باید این ظرفیت‌ها شناسایی و زمینه مشارکت زنان در آنها فراهم شود.

وی با اشاره به برنامه‌های دولت برای اتصال مجموعه‌های کوچک به مجموعه‌های بزرگ اقتصادی اظهار کرد: در دولت مدل‌های مختلفی برای ایجاد این پیوندها دنبال می‌شود و ظرفیت تعاونی‌ها نیز در حال فعال‌تر شدن است. هدف این است که ظرفیت زنان تحصیل‌کرده کشور که بیش از ۶۰ درصد جامعه دانشگاهی را تشکیل می‌دهند، به‌درستی مورد استفاده قرار گیرد.

بهروزآذر از مشاوران خواست در هسته‌های فکری تشکیل‌شده در دانشگاه آزاد اسلامی، برای شناسایی این ظرفیت‌ها و طراحی برنامه‌های ویژه زنان در هر استان نقش فعال‌تری ایفا کنند.

دانشگاه‌ها برای مسائل اجتماعی زنان نسخه‌های بومی ارائه کنند

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به ضرورت شناخت دقیق مسائل اجتماعی زنان تصریح کرد: ما در برخی موضوعات اجتماعی زنان، از جمله خشونت علیه آنان، شناخت کافی و دقیقی از نیازها و شرایط مناطق مختلف نداریم و گاهی برای سراسر کشور نسخه‌های یکسان ارائه می‌کنیم؛ در حالی که مسائل و اقتضائات مناطق متفاوت است.

وی با اشاره به موضوع خانه‌های امن افزود: وجود خانه‌های امن ضروری است تا زنانی که در معرض خشونت قرار می‌گیرند، بدانند به کجا مراجعه کنند و چگونه می‌توانند با کمترین آسیب، ضمن حفظ کرامت خود و پایداری خانواده، حمایت دریافت کنند. با این حال، در برخی مناطق با وجود بالا بودن میزان خشونت، تمایل زنان برای حضور در خانه‌های امن پایین است؛ چراکه برخی از آنان نمی‌خواهند خانه خود را ترک کنند و ترجیح می‌دهند در همان محیط زندگی بمانند، اما برای کاهش آزار همسر نسبت به خود یا فرزندانشان کمک دریافت کنند.

بهروزآذر تأکید کرد: دانشگاه‌ها باید با شناخت ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه، برای چنین مسائلی راهکارهای متناسب ارائه دهند. در دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی جامعه‌شناسان و حقوقدانان متخصص بسیاری حضور دارند و لازم است پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی به سمت بررسی این مسائل هدایت شوند.

وی ادامه داد: از دانشگاه‌ها انتظار داریم با انجام مطالعات موردی و ارائه راهکارهای متناسب با شرایط هر منطقه، به ما کمک کنند تا برای کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان، نسخه‌های مشخص و قابل اجرا داشته باشیم. امروز به‌جای نسخه‌های بزرگ و یکسان برای کل کشور، به راهکارهای متناسب با ویژگی‌های هر منطقه و مداخلات مؤثر نیاز داریم تا بتوانیم آثار آنها را در جامعه مشاهده کنیم.

بازگشت ۴۹۶ نوزاد نارس به آغوش خانواده؛ خدمات رایگان مراقبت‌های ویژه در بندرعباس

گزارش : ایرنا



سرپرستار بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان خلیج فارس بندرعباس گفت: ۴۹۶ نوزاد از مجموع ۵۱۰ نوزاد بستری در این بخش از ابتدای سال جاری تاکنون، پس از دریافت مراقبت‌های تخصصی و رایگان با حال عمومی مناسب ترخیص شدند .

هنا بازماندگان به مناسبت روز جهانی نوزاد نارس افزود: بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان (NICU) بیمارستان خلیج فارس با ۱۴ تخت فعال و مجهز، پذیرای نوزادانی است که به دلیل تولد زودرس، وزن پایین و مشکلات تنفسی به مراقبت‌های تخصصی نیاز دارند.

وی با اشاره به آمار عملکرد این بخش اظهار کرد: در سال ۱۴۰۴، تعداد ۸۲۲ نوزاد بستری شدند که ۷۹۰ نفر از آنان با بهبود وضعیت عمومی ترخیص شدند.

سرپرستار بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان خلیج فارس بندرعباس با بیان اینکه نارسی، مشکلات تنفسی و وزن پایین از مهم‌ترین دلایل بستری نوزادان در این بخش است، ادامه داد: متناسب با شرایط هر نوزاد، حمایت‌های تنفسی و تغذیه‌ای انجام می‌شود تا با بهبود عملکرد تنفسی و دریافت تغذیه مناسب، روند وزن‌گیری و آمادگی برای ترخیص طی شود.

بازماندگان، طولانی بودن دوره درمان برخی نوزادان را از ویژگی‌های مراقبت‌های ویژه نوزادان دانست و خاطرنشان کرد: در مواردی، رسیدن به شرایط پایدار تنفسی و وزن مناسب به ۲ تا سه ماه مراقبت نیاز دارد که تمام خدمات درمانی این دوره به‌صورت رایگان ارائه می‌شود.

نجات نوزاد ۵۰۰ گرمی پس از سه ماه مراقبت

سرپرستار بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان خلیج فارس بندرعباس با اشاره به یکی از تجربه‌های موفق درمانی این مرکز بیان کرد: حدود سه سال پیش، نوزادی با وزن تقریبی ۵۰۰ گرم که در هفته بیست‌وپنجم بارداری متولد شده بود، از بیمارستان قشم به این مرکز انتقال یافت.

بازماندگان تصریح کرد: این نوزاد پس از حدود سه ماه بستری و دریافت مراقبت‌های تخصصی، با وزن یک کیلو و ۸۰۰ گرم ترخیص شد و اکنون در سه‌سالگی از وضعیت سلامت خوبی برخوردار است.

وی ارتباط مستمر خانواده این کودک با پزشک و کارکنان بخش را از دلگرمی‌های تیم درمان عنوان کرد و گفت: مشاهده رشد کودکانی که روزهای نخست زندگی خود را در بخش مراقبت‌های ویژه سپری کرده‌اند، برای کادر درمان بسیار ارزشمند است.

آموزش مادران؛ بخشی از مسیر درمان نوزادان نارس

سرپرستار بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان خلیج فارس، آموزش و مشارکت خانواده‌ها را از بخش‌های مهم روند درمان دانست و اظهار کرد: از ابتدای بستری، والدین با بخش، پزشک معالج و مراحل درمان آشنا می‌شوند و آموزش‌های لازم درباره اهمیت شیر مادر، تغذیه دوران شیردهی، مشارکت در تغذیه نوزاد و مراقبت آغوشی متناسب با شرایط کودک را دریافت می‌کنند.

وی درباره معیارهای ترخیص نوزادان نیز گفت: بهبود مشکلات تنفسی و بی‌نیازی از اکسیژن کمکی، توانایی تغذیه مناسب از راه دهان یا شیر مادر و آمادگی والدین برای مراقبت از نوزاد در منزل، از مهم‌ترین شرایط ترخیص است.

بازماندگان با اشاره به ضرورت تداوم مراقبت‌ها پس از ترخیص افزود: پیش از بازگشت نوزاد به خانه، والدین درباره پیگیری معاینات چشم، ارزیابی شنوایی، غربالگری تیروئید و مراجعه‌های دوره‌ای برای بررسی رشد، تغذیه و سلامت کودک راهنمایی می‌شوند.

وی اطلاع‌رسانی روزانه درباره وضعیت سلامت و روند وزن‌گیری نوزادان به والدین را از دیگر اقدامات این بخش برشمرد و گفت: آگاهی خانواده‌ها از روند بهبود فرزندشان، به کاهش نگرانی‌ها و همراهی بهتر آنان با مسیر درمان کمک می‌کند و بازگشت نوزاد به آغوش خانواده، شیرین‌ترین لحظه برای والدین و کارکنان این بخش است.

معاون استاندار هرمزگان: دولت نمی‌تواند به تنهایی متولی تمام امور سالمندان باشد

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان با تأکید بر اینکه تکریم سالمندان باید از رویکرد حمایتی به برنامه‌ریزی اجتماعی تبدیل شود، گفت: دولت نمی‌تواند و نباید متولی تمام امور باشد و مواجهه با پدیده سالمندی نیازمند مشارکت مردمی، اصلاح ساختارهای شهری و نگاه آینده‌نگر است.



احمد نفیسی در نشست تخصصی بررسی مسائل و چالش‌های حوزه سالمندی که با حضور مدیرکل بهزیستی هرمزگان، مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری و جمعی از مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط برگزار شد با تأکید بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های مواجهه با پدیده سالمندی، گفت: تأمین زندگی سالم، بانشاط و همراه با کرامت برای سالمندان، نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، اصلاح ساختارهای حمایتی، مناسب‌سازی محیط شهری و تقویت مشارکت مردم و بخش خصوصی است؛ چراکه دولت باید به‌جای تصدی‌گری در همه امور، نقش سیاست‌گذار، تسهیل‌گر و پشتیبان را ایفا کند.

وی سالمندی را یکی از مهم‌ترین موضوعات پیش‌روی نظام برنامه‌ریزی اجتماعی دانست و اظهار کرد: مواجهه صحیح با این پدیده مستلزم نگاه آینده‌نگر، سیاست‌گذاری منسجم و فراهم‌سازی زیرساخت‌هایی است که امکان زندگی سالم، فعال و توأم با کرامت را برای سالمندان فراهم کند.

نفیسی با بیان اینکه سالمندی بخشی طبیعی از چرخه زندگی انسان است، افزود: مسئله اصلی صرفاً افزایش طول عمر نیست، بلکه باید کیفیت زندگی در این دوران ارتقا یابد و شرایطی فراهم شود تا سالمندان ضمن برخورداری از سلامت جسمی و روانی، همچنان احساس تعلق، اثرگذاری و مشارکت در جامعه داشته باشند.

معاون استاندار هرمزگان: دولت نمی‌تواند به تنهایی متولی تمام امور سالمندان باشد

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان با اشاره به تغییرات سریع اجتماعی و تشدید فاصله میان نسل‌ها تصریح کرد: تحولات سبک زندگی، تغییر الگوهای ارتباطی و فشارهای اقتصادی بر روابط خانوادگی و اجتماعی تأثیر گذاشته است؛ ازاین‌رو باید با تقویت پیوندهای بین‌نسلی، زمینه انتقال تجربیات، حفظ ارتباطات خانوادگی و بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی سالمندان فراهم شود.

نفیسی با تأکید بر ضرورت اصلاح رویکردهای اجرایی در حوزه خدمات اجتماعی خاطرنشان کرد: دولت نمی‌تواند متولی تمام امور باشد زیرا بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های اجتماعی، خدماتی و اقتصادی در اختیار مردم، تشکل‌های مردمی و بخش خصوصی قرار دارد و وظیفه دولت باید سیاست‌گذاری، نظارت، تسهیل‌گری و فراهم کردن زمینه مشارکت این ظرفیت‌ها باشد.

وی ادامه داد: در حوزه سالمندی نیز باید از الگوهای صرفاً حمایتی و هزینه‌محور عبور کنیم و به سمت ایجاد فرصت‌های جدید برای حضور اجتماعی سالمندان حرکت کنیم. توسعه مراکز روزانه سالمندی، ایجاد پاتوق‌های محلی، کافه‌های ویژه

سالمندان و طراحی برنامه‌های مشترک میان نسل‌های مختلف می‌تواند به افزایش نشاط اجتماعی، کاهش انزوای سالمندان و تقویت احساس ارزشمندی آنان کمک کند.

نفیسی با تأکید بر اینکه مدیریت مسائل اجتماعی باید متناسب با نیازهای واقعی محلات انجام شود، گفت: استفاده از ظرفیت معتمدان محلی، خیرین، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان اجتماعی در شناسایی و حمایت از سالمندان ضروری است و ما نباید منتظر بمانیم تا مشکلات این قشر به مرحله بحران برسد؛ بلکه باید با شناسایی به‌موقع نیازها و طراحی سازوکارهای حمایتی، از بروز آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی پیشگیری کنیم.

وی همچنین مناسب‌سازی محیط شهری و ارتقای دسترس‌پذیری خدمات را از الزامات اساسی تکریم سالمندان برشمرد و افزود: حمل‌ونقل عمومی، فضاهای شهری، مراکز خدماتی و زیرساخت‌های گردشگری باید به‌گونه‌ای طراحی و اصلاح شوند که سالمندان بتوانند بدون وابستگی به دیگران و با سهولت بیشتری از امکانات جامعه استفاده کنند.

معاون استاندار هرمزگان با اشاره به ضرورت آمادگی برای تحولات جمعیتی آینده اظهار کرد: افزایش سهم جمعیت سالمند در سال‌های پیش‌رو، موضوعی نیست که بتوان آن را به آینده موکول کرد زیرا امروز زمان تصمیم‌گیری و ایجاد زیرساخت‌های لازم است و هرگونه تأخیر در این زمینه می‌تواند هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری به جامعه تحمیل کند.

نفیسی تأکید کرد: هرمزگان از ظرفیت‌های ارزشمند فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی برخوردار است و باید از این پشتوانه برای تقویت فرهنگ احترام به سالمندان، احیای ارتباطات محلی و شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی بهره گرفت.

وی تاکید کرد: هدف نهایی باید ساختن جامعه‌ای باشد که در آن سالمندی به معنای انزوا و کنار گذاشته شدن از فعالیت‌های اجتماعی نباشد، بلکه سالمندان همچنان بخشی فعال و اثرگذار از زندگی جامعه باقی بمانند. سپیده جوادی، مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری هرمزگان نیز در این جلسه بر ضرورت تشکیل بانک اطلاعاتی جامع سالمندان، به‌ویژه افراد تنها و نیازمند مراقبت‌های ویژه، تأکید کرد. وی شناسایی دقیق این گروه از سالمندان، تقویت آمادگی دستگاه‌های مسئول در شرایط بحرانی و استفاده از ظرفیت هلال‌احمر، دانشگاه علوم پزشکی، خیرین و مددکاران اجتماعی را از الزامات ارتقای نظام حمایت اجتماعی دانست.

با سرآشپز = شیرینی میکادو



شیرینی میکادو نوعی شیرینی لایه‌ای است که با استفاده از نان‌های ویفری نازک تهیه می‌شود. میان این لایه‌ها، ترکیبی از آرد، روغن، پودر قند و کاکائو قرار می‌گیرد که حالتی شبیه حلوا دارد. پس از سرد شدن، این ترکیب سفت می‌شود و لایه‌ها را به هم متصل می‌کند.

بافت نهایی این شیرینی، ترکیبی از تردی نان ویفر و نرمی لایه میانی است که طعمی متعادل و دلنشین ایجاد می‌کند. همین تضاد بافتی، یکی از دلایل محبوبیت میکادو است.

مواد اولیه مورد نیاز

مواد لازم برای تهیه شیرینی میکادو معمولاً در اکثر خانه‌ها یافت می‌شود و نیازی به تهیه مواد خاص و گران‌قیمت ندارد.

نان میکادو یا ویفر نازک
آرد سفید قنادی
آرد نخودچی
روغن جامد یا کره
روغن مایع
پودر قن
پودر کاکائو
هل یا وانیل (اختیاری)
شکلات برای تزئین (دلخواه)
پودر پسته یا نارگیل (اختیاری)

سادگی این مواد، باعث شده است که حتی افراد کم‌تجربه در آشپزی نیز بتوانند این شیرینی را تهیه کنند.

مراحل تهیه شیرینی میکادو

۱. آماده‌سازی آرد

ابتدا آرد سفید و آرد نخودچی را الک کرده و در تابه‌ای خشک روی حرارت ملایم تفت دهید. هدف از این کار، از بین بردن بوی خامی آرد است. باید دقت کرد که آرد تغییر رنگ ندهد و نسوزد.

۲. تهیه مایه میانی

پس از آماده شدن آرد، روغن جامد یا کره را به آن اضافه کنید و هم بزنید تا کاملاً جذب شود. سپس پودر کاکائو، وانیل یا هل را اضافه کرده و مخلوط کنید. بعد از آن، پودر قند را بیفزایید و هم زدن را ادامه دهید.

در مرحله آخر، روغن مایع را کم‌کم اضافه کنید تا مخلوطی نرم، براق و یکدست به دست آید. این مایه باید حالتی نیمه‌روان داشته باشد.

۳. لایه‌گذاری

یک ورق نان میکادو را روی سطح صاف قرار دهید. مقداری از مایه آماده‌شده را روی آن پخش کنید. سپس یک ورق دیگر نان روی آن بگذارید و دوباره مایه بمالید. این کار را تا تمام شدن مواد ادامه دهید.

معمولاً بین ۵ تا ۷ لایه برای یک شیرینی استاندارد کافی است.

۴. پرس و استراحت

پس از اتمام لایه‌گذاری، روی شیرینی یک جسم سنگین قرار دهید تا لایه‌ها به هم بچسبند. سپس آن را برای چند ساعت در یخچال بگذارید تا کاملاً سفت شود.

۵. برش و تزئین

بعد از سرد شدن، شیرینی را به شکل مربع، مستطیل یا لوزی برش دهید. در صورت تمایل می‌توانید روی آن شکلات ذوب‌شده بریزید و با پودر پسته یا نارگیل تزئین کنید.

نکات مهم در تهیه میکادو

برای داشتن یک شیرینی میکادوی باکیفیت، رعایت چند نکته ضروری است:

آرد باید به‌خوبی تفت داده شود تا طعم مطلوب ایجاد کند.
مایه میانی نباید بیش از حد سفت یا شل باشد.
پخش یکنواخت مایه روی نان‌ها اهمیت زیادی دارد
فشار مناسب هنگام پرس باعث می‌شود لایه‌ها جدا نشوند.
نگهداری در جای خنک، ماندگاری شیرینی را افزایش می‌دهد.

تنوع در تهیه شیرینی میکادو

شیرینی میکادو را می‌توان با توجه به سلیقه‌ها و ذائقه‌های مختلف، در شکل‌ها و طعم‌های متنوعی تهیه کرد. برخی خانواده‌ها نوع ساده آن را ترجیح می‌دهند که بدون کاکائو و شکلات تهیه می‌شود و عطر وانیل یا هل در آن غالب است، در حالی که گروهی دیگر میکادوی شکلاتی را با روکش شکلات و طعمی غنی‌تر می‌پسندند. در برخی نسخه‌ها نیز با افزودن زعفران دم‌کرده به مایه میانی، رنگ و عطر ویژه‌ای به شیرینی داده می‌شود.

همچنین برای افرادی که به تغذیه سالم‌تر توجه دارند، نوع رژیمی میکادو با کاهش میزان شکر و روغن یا استفاده از جایگزین‌های مناسب تهیه می‌شود. این تنوع در روش تهیه، باعث شده است که شیرینی میکادو برای گروه‌های سنی و سلیقه‌های گوناگون، انتخابی دلپذیر و محبوب باشد.

ماندگاری و شرایط نگهداری

یکی از مزایای مهم شیرینی میکادو، ماندگاری نسبتاً بالای آن است. اگر این شیرینی در ظرف دربسته و در جای خنک نگهداری شود، تا دو هفته کیفیت خود را حفظ می‌کند. در یخچال نیز می‌توان آن را برای مدت بیشتری نگه داشت.

همین ویژگی باعث شده است که بسیاری از خانواده‌ها چند روز قبل از عید، اقدام به تهیه آن کنند.

چگونه بفهمیم سطح کورتیزول بالاست؟

کورتیزول، هورمون استرس، در شبکه‌های اجتماعی مقصر بسیاری از مشکلات، از چربی شکمی تا بی‌خوابی، شناخته می‌شود؛ اما کارشناسان می‌گویند این هورمون برای عملکردهای روزمره بدن ضروری است و تنها راه تشخیص بالابودن آن، مراجعه به پزشک و انجام آزمایش است.

سه نشانه رایج کورتیزول بالا عبارت‌اند از: مشکل در خواب، چاقی شکمی و احساس خستگی ذهنی همراه با خستگی جسمی.

وبگاه اینتینگ ول در گزارشی آورده است:

کورتیزول در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مقصر همه مشکلات، از چربی شکمی تا فرسودگی و بی‌خوابی، شناخته می‌شود. اما این هورمون استرس برای بسیاری از عملکردهای روزمره ضروری است.

اریکا آرمسترانگ (Erica Armstrong)، پزشک و متخصص پزشکی عملکردی، می‌گوید کورتیزول به تنظیم پاسخ استرس، قندخون، سوخت‌وساز، التهاب و چرخه خواب و بیداری کمک می‌کند. آنچه اهمیت دارد این است که کورتیزول در محدوده سالم بماند؛ غدد فوق‌کلیوی تا زمانی که سالم باشند، این تنظیم را انجام می‌دهند. اگر سطح کورتیزول برای مدت طولانی بالا بماند، عوارض ناخوشایندی ایجاد می‌شود و سلامتی به خطر می‌افتد.

کورتیزول چیست؟

کورتیزول هورمونی است که توسط غدد فوق‌کلیوی تولید می‌شود و چرخه‌ای ۲۴ ساعته دارد: ۳۰ دقیقه پس از بیدارشدن به اوج می‌رسد، در طول روز کاهش می‌یابد و کمترین سطح آن در مراحل اولیه خواب است. این هورمون توسط محور هیپوتالاموس هیپوفیز فوق‌کلیه (محوری که ارتباط بین مغز و غدد فوق‌کلیوی را کنترل می‌کند) تنظیم می‌شود و در زمان استرس بالا افزایش می‌یابد.

افزایش ناگهانی کورتیزول باعث آزادشدن مقدار زیادی قند در جریان خون برای انرژی اضافی، تنگ‌شدن رگ‌های خونی و افزایش ضربان قلب می‌شود تا بدن را برای پاسخ جنگ یا گریز (واکنشی طبیعی که بدن را برای مقابله با خطر یا فرار از آن آماده می‌کند) آماده نماید. این پاسخ وقتی مفید است که باید سریع حرکت کنید یا واکنش نشان دهید، اما وقتی بیش از حد و بدون فعالیت بدنی متعاقب آن رخ دهد، می‌تواند مشکل‌آفرین شود.

بیشتر سلول‌های بدن گیرنده کورتیزول دارند؛ بنابراین این هورمون بر قلب، مغز، سوخت‌وساز و سیستم ایمنی اثر می‌گذارد. کورتیزول مزمن بالا نشانه‌ای از بیماری قلبی، سکته مغزی، دیابت نوع ۲ و اختلالات التهابی است. شایع‌ترین مشکلات مرتبط با آن شامل استرس مزمن، مقاومت به انسولین، بیماری‌های خودایمنی و سندرم کوشینگ است.

نشانه‌های کورتیزول بالا کدام‌اند؟

تنها راه تشخیص، مراجعه به پزشک است. آرمسترانگ می‌گوید: علائم با آزمایش‌هایی مانند آزمایش چهارنقطه‌ای کورتیزول بزاق (نمونه‌های که چهار بار در طول روز از بزاق گرفته می‌شود) و تصویر بالینی کامل ترکیب می‌شوند. با این حال، سه نشانه رایج وجود دارد:

۱. مشکل در خواب: اگر به‌سختی خوابتان می‌برد یا نیمه‌شب بیدار می‌شوید و دیگر خوابتان نمی‌برد، ممکن است مشکلتان با هورمون‌های استرس مرتبط باشد. کورتیزول باید شب‌ها پایین باشد، اما استرس یا افت قندخون می‌تواند آن را بالا ببرد و شما را بیدار کند. مطالعات نشان داده‌اند کورتیزول بالاتر پیش از خواب، با خواب کوتاه‌تر و بی‌کیفیت‌تر مرتبط است. تداوم مشکلات خواب و درمان‌نکردن آن‌ها خطر بیماری قلبی و مرگ‌ومیر کلی را افزایش می‌دهد.

۲. چاقی شکمی: اگر بدون تغییر رژیم غذایی یا ورزش، در ناحیه میانه بدن وزن اضافه می‌کنید، ممکن است نشانه کورتیزول بالا باشد. یافته‌های یک مطالعه روی افراد میانسال و سالمند نشان داد افرادی که کورتیزول موجود در مویشان (معیاری از سطح میانگین کورتیزول در ماه‌های گذشته) بالاتر بود، وزن بالاتر و دور کمر پهن‌تری داشتند.

آرمسترانگ می‌گوید: کورتیزول به‌عنوان سازوکار بقا، ذخیره چربی به‌ویژه در ناحیه شکم را تقویت می‌کند. البته چاقی عمومی لزوماً معادل چاقی شکمی (چربی عمقی شکم) نیست؛ براساس یافته‌های یک مطالعه بزرگ، چاقی شکمی بدون چاقی عمومی هم با خطر بالاتر آنزیم‌های غیرطبیعی کبد مرتبط است.

۳. جسم خسته، ذهن ناآرام: کورتیزول به مغز کمک می‌کند در برابر خطر آماده بماند، حتی اگر آن خطر واقعی نباشد و فقط در ذهن ما باشد. وقتی مدت طولانی در این حالت بمانید، خسته‌کننده می‌شود. کورتیزول بالا ذهن را هوشیار نگه می‌دارد، حتی وقتی جسم کاملاً خسته است. اما این هوشیاری به قیمت کارآیی مغز تمام می‌شود: کورتیزول بالای طولانی‌مدت با کاهش تمرکز و حافظه و با اختلال خواب مرتبط است و خواب بد هم به نوبه خود حافظه و توجه را بیشتر مختل می‌کند.

کورتیزول چه تأثیری بر مدیریت التهاب بدن دارد؟

کاهش کورتیزول بالا به کاهش التهاب مزمن کمک می‌کند. کارشناسان برای رسیدن به این هدف این اقدامات را توصیه می‌کنند:

رژیم غذایی ضدالتهاب سرشار از امگا-۳، میوه و سبزیجات رنگارنگ و حبوبات فیبردار؛
تثبیت قندخون با وعده‌های منظم حاوی پروتئین، چربی و فیبر؛
مدیریت استرس با استراحت کافی، ذهن‌آگاهی و مدیتیشن؛
اولویت‌دادن به خواب منظم؛ حتی یک شب خواب بی‌کیفیت هم نشانگرهای التهابی را افزایش می‌دهد؛
مراقبت از سلامت روده؛ زیرا باکتری‌های روده در تنظیم ایمنی و کنترل التهاب نقشی حیاتی دارند.

سخن پایانی

وقتی بدن درست کار می‌کند، کورتیزول در پاسخ مناسب به استرس تنظیم می‌شود. اما سطح مزمن بالای آن عوارض ناخواسته ایجاد می‌کند و خطر بیماری‌های التهابی و سوخت‌وسازی را افزایش می‌دهد. مشکل خواب، چاقی شکمی و خستگی ذهنی همراه با خستگی جسمی می‌توانند نشانه کورتیزول بالا باشند، اما ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشند. بهترین راه، مراجعه به پزشک است.

